



کنش حسابرسان مستقل در مواجهه با تضادهای نمایندگی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی

محمد حسنی^۱

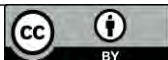
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

چکیده

وجود تضاد منافع بین مدیران با مالکان و امکان وقوع مشکلات نمایندگی سبب شده است شناسایی عوامل بالقوه محرک هزینه‌های نمایندگی و ارزیابی نقش مکانیزم‌های نظارتی جهت کاهش شدت هزینه‌های نمایندگی تحمیل شده بر شرکت‌ها از اهمیت برخوردار شود. در مقاله حاضر نقش حسابرسان مستقل از بعد معیارهای ورودی ساختار کیفی در مواجهه با تضادهای نمایندگی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی فروش به عنوان معیار هزینه‌های نمایندگی مطرح شده است. وجود ارتباطات دولتی سیاسی در ساختار هیأت مدیره یا مالکیت سهام شرکت‌ها ملاک ارزیابی روابط سیاسی در نظر گرفته شده است. به علاوه، نقش حسابرسان مستقل از منظر امتیاز کنترل کیفی، چرخش و تخصص در صنعت به عنوان معیارهای ورودی ساختار کیفی حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های پژوهش شامل ۱۶۳۲ مشاهده شرکت-سال است که مشتمل بر ۲۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است و ماهیت داده‌ها از نوع ترکیبی با اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته است. شواهد نشان دادند شرکت‌های دارای روابط سیاسی از هزینه‌های نمایندگی بالاتری برخوردار هستند. از طرفی، ویژگی‌های اعتبار کیفی، چرخش و تخصص صنعت حسابرسان مستقل سبب کاهش معنی‌دار سطح هزینه‌های نمایندگی شده‌اند. به علاوه، شواهد حاکی از آن است که اعتبار کیفی حسابرسان، چرخش حسابرسان و تخصص صنعت حسابرسان مستقل سبب تضعیف ارتباط مثبت روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی شده‌اند و از آثار مخرب تضاد منافع کاسته‌اند. در واقع، حسابرسان معتبر جهت حفظ شهرت حرفه‌ای، حسابرسان جدید جهت حفظ استقلال حسابرسی و حسابرسان متخصص صنعت جهت حفظ کارایی و اثربخشی حسابرسی از عناصر کاهشدهنده تضادهای نمایندگی به ویژه در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی هستند. بر این اساس، درک این موضوع از جنبه مخارج ایجاد روابط سیاسی و نقش آن در تشدید

^۱ گروه حسابداری و حسابرسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران نویسنده مسئول (m_hassani@iau-tnb.ac.ir)



هزینه‌های نمایندگی، همچنین از جنبه بهبود فرآیند حسابرسی و نقش آن در تضعیف هزینه‌های نمایندگی به ویژه در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی قابل ملاحظه است.

واژه‌های کلیدی: اعتبار کیفی حسابرس، چرخش حسابرس، تخصص صنعت حسابرس، تضاد نمایندگی، روابط سیاسی.

۱- مقدمه

طبق نظریه نمایندگی، توابع مطلوبیت تهیه‌کنندگان اطلاعات و استفاده‌کنندگان اطلاعات متفاوت از یکدیگر است و در قالب هزینه‌های نمایندگی قابل بررسی است. چنین تضادی بین منافع مدیران در نقش تهیه‌کننده اطلاعات با منافع گروه‌های مختلف سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، دولت و سایر ارکان در نقش استفاده‌کنندگان اطلاعات ضمن ایجاد مشکلات نمایندگی ممکن است سبب اتخاذ تصمیماتی توسط مدیران شود که در مواردی در جهت منافع ذی‌نفعان نیست؛ این موضوع به جای این که همگرایی منافع را به دنبال داشته باشد، به واسطه وقوع برخی تضادها سبب واگرایی منافع می‌شود. در برخی نظام‌های اقتصادی، شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری روابط نزدیک با دولت به عنوان مرجع سیاسی قدرت دارند؛ زیرا در قبال این روابط از منافع زیادی بهره‌مند می‌شوند. در ضمن، شرکت‌های دارای روابط ممکن است منافع ناشی از این روابط را با دولت تسهیم نمایند. با این حال، دارا بودن روابط سیاسی ممکن است با مخارجی همراه شده و آثار مخربی داشته باشد. یکی از دلایل تمایل شرکت‌ها به بهره‌گیری از روابط سیاسی، تلاش مدیران در دستیابی به اهداف شخصی و به هزینه سهامداران در بازارهای با محیط قانونی ضعیف است (فاسیو^{۱۱}، ۲۰۰۶). این رویه منجر به تضادهای نمایندگی بالاتری شده و انتظار می‌رود شرکت‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی بالاتری داشته باشند. نظریه نمایندگی پیش‌بینی می‌کند که اگر رفتارهای مدیران شرکت‌ها به درستی نظارت نشود، احتمالاً برای تعقیب روابط سیاسی منابع زیادی را صرف می‌کنند که ممکن است منجر به مشکل نمایندگی شود (سونگ و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۲). در واقع، وجود روابط سیاسی شرکت‌ها به عنوان یکی از الگوهای نظام اقتصادی سبب افزایش شدت هزینه نمایندگی و تضاد منافع شده است (آریفور و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۶). از این رو، جهت بررسی موضوع در بخشی از مقاله به بررسی نقش رابط سیاسی در بروز هزینه‌های ناشی از مشکلات نمایندگی پرداخته شده است.

از طرفی، بروز مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها مستلزم بکارگیری راهکارهایی جهت کاهش مشکلات مربوط به روابط نمایندگی است. طبق نظریه نمایندگی، مکانیزم‌های نظارتی جهت همراستا کردن منافع مدیران و سهامداران و کاهش تضاد منافع در پی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در نظر گرفته شده‌اند. از این رو، تلاش جهت بکارگیری مکانیزم‌هایی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی، امری مهم تلقی می‌شود. نتایج مطالعات حاکی از نقش سازوکارهای راهبری شرکتی در کاهش هزینه‌های نمایندگی است (مکنایت و ویر^{۱۴}، ۲۰۰۹). از طرفی، شواهد بیانگر آن است که هزینه‌های نمایندگی تأثیر منفی بر ریسک راهبری شرکتی در کشورهای مختلف دارد (الکلیش^{۱۵}، ۲۰۱۸). در حالت وجود هزینه‌های نمایندگی، رابطه مثبتی بین راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی وجود دارد

(کوان و همکاران^{۴۸}، ۲۰۱۴). از این رو، به دلیل بروز برخی رفتارهای منفعت‌طلبانه، مشوق‌های مدیریتی، انگیزه‌های خاص و برخی رویه‌ها و معاملات غیرعادی که سبب بروز مشکلات نمایندگی شده‌اند، نقش حسابرسی مستقل به عنوان مکانیزمی مؤثر تحلیل شده است. نکته مهم تمرکز بر جنبه‌های مختلف ساختار کیفیت حسابرسی است که به تفکیک معیارهای مبتنی بر ورودی و معیارهای مبتنی بر خروجی مطرح شده‌اند (نیچل و همکاران^{۴۹}، ۲۰۱۳؛ دیفوند و ژانگ^{۵۰}، ۲۰۱۴). طبق شواهد مطالعاتی، نقش کیفیت حسابرسی در کاهش شدت هزینه‌های نمایندگی تأیید شده است (اوسو و ویر^{۵۱}، ۲۰۱۸). از این رو، جهت بررسی این موضوع در بخش دیگری از مقاله به بررسی نقش معیارهای ورودی ساختار کیفیت حسابرسی در کاهش هزینه‌های ناشی از بروز مشکلات نمایندگی پرداخته شده است.

ارزیابی کنش و واکنش ابعاد مختلف مرتبط با هزینه‌های نمایندگی حاکی از برخی تعاملات بین عوامل است. هرچند به استناد مطالعات پیشین، روابط سیاسی و کیفیت حسابرسی هر یک از تأثیر مجزایی بر هزینه‌های نمایندگی برخوردارند، در عین حال در برخی مطالعات نقش ساختارهای کیفی حسابرسی در ارتباط با روابط سیاسی تحلیل شده و نتایج متفاوتی مشاهده شده است (گدحامی و همکاران^{۵۲}، ۲۰۱۴؛ لیو و همکاران^{۵۳}، ۲۰۱۷؛ حبیب و همکاران^{۵۴}، ۲۰۱۷). روابط سیاسی می‌تواند به طور نامطلوب (به مخاطره افتادن استقلال حسابرس) یا به طور مطلوب (کاهش احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی ابهام در تداوم فعالیت) بر رفتار حسابرس بسته به ویژگی‌های قانونی، نهادی و فرهنگی حاکم در محیط تأثیر بگذارد (ایمن و همکاران^{۵۵}، ۲۰۲۲). هر چند مطالعاتی بیانگر آن است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی تقاضای کمتری برای حسابرسی با کیفیت دارند (چنگ و همکاران^{۵۶}، ۲۰۱۵)، با این حال، طبق برخی شواهد در شرکت‌های دارای روابط سیاسی، احتمال بیشتری برای حسابرسی با کیفیت وجود دارد (لیو و همکاران^{۵۷}، ۲۰۱۷). از این رو، به نظر می‌رسد در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی که متضمن هزینه‌های نمایندگی بالاتری هستند، مکانیزم حسابرسی با کیفیت بتواند محرکی جهت کاهش شدت مشکلات نمایندگی باشد. در نتیجه، تعامل بین روابط سیاسی و ساختارهای کیفی حسابرسی می‌تواند شدت مشکلات نمایندگی را تحت تأثیر قرار دهد (آریفور و همکاران^{۵۸}، ۲۰۱۶). بر این اساس، جهت بررسی این موضوع در بخش دیگری از مقاله به بررسی نقش معیارهای ورودی ساختار کیفیت حسابرسی در تعدیل ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی پرداخته شده است.

با توجه به اهمیت مطالب مورد اشاره و خلاء مطالعاتی در خصوص نقش ارکان ساختار کیفی حسابرسی در مواجهه با تضادهای نمایندگی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی، در مقاله حاضر تأثیر روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی و نقش نظارتی حسابرسان مستقل از بعد معیارهای ورودی ساختار کیفی حسابرسی بر کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها به ویژه در شرایط وجود روابط سیاسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه مقاله، مباحثی در خصوص مبانی نظری، پیشینه‌ها، استدلال پشتوانه توسعه فرضیه‌ها، روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری کلی مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲. مبانی نظری پژوهش

جدایی مالکیت از مدیریت طبق دیدگاه نمایندگی سبب شکل‌گیری رابطه نمایندگی شده است. رابطه نمایندگی مبتنی بر قراردادی است که طبق آن صاحبکاران (مالکان) از جانب خود نمایندگان (مدیران) را منصوب کرده و اختیار تصمیم را به آن‌ها تفویض می‌کنند. اما، وجود انگیزه‌های متفاوت مالکان و مدیران سبب ایجاد مشکلاتی مانند تضاد منافع، عدم تقارن اطلاعاتی، انتخاب نامطلوب، خطر اخلاقی و عدم اطمینان می‌شود و این موارد سبب وقوع هزینه‌های نمایندگی می‌شود. ایجاد رابطه نمایندگی سبب می‌شود ذی‌نفعان جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا حداقل کردن آثار ناشی از تضاد منافع، متحمل هزینه‌های نمایندگی می‌شوند. افزایش هزینه‌های نمایندگی بیانگر افزایش شدت تضاد منافع در شرکت‌ها است (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶). شواهدی حاکی از آن است که بین هزینه‌های نمایندگی و سلب منافع سهامداران اقلیت ارتباط مثبتی وجود دارد (بادآورنهندی و همکاران، ۱۳۹۸). هزینه‌های نمایندگی شامل هزینه‌های نظارت و کنترل، هزینه‌های التزام و زیان باقیمانده است. هزینه‌های نظارت مدیر از سوی مالکان از طریق طرح پاداش، اختیار خرید سهام و استفاده از خدمات حسابرس مستقل انجام می‌گیرد. هزینه‌های التزام مربوط به ساختار سازمانی است که بتوان رفتار نامطلوب مدیر را محدود کرد. زیان باقیمانده تفاوت عملیات واقعی مدیر و عملیات مورد انتظار وی است که مرتبط با دنبال کردن منافع شخصی است و سبب کاهش رفاه سهامداران می‌شود (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶).

شدت و ضعف وقوع هزینه‌های نمایندگی بسته به بسترهای مختلف و تحت تأثیر شرایط قوت و ضعف محیط قانونی و نظارتی، می‌تواند از عوامل مختلفی الگو گرفته و یا منجر به پیامدهایی شود. یکی از الگوهای مبتنی بر نظام‌های اقتصادی که در برخی مطالعات مرتبط با هزینه‌های نمایندگی شناسایی شده، بحث روابط سیاسی شرکت‌ها است (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶) و این موضوع با افزایش مدیران و مالکان دارای روابط سیاسی در رأس شرکت‌های مختلف در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه همراه است (دینگ و همکاران^۱، ۲۰۱۵). مطالعات نشان داده‌اند یکی از عوامل بااهمیت در نحوه مدیریت شرکت‌ها، نفوذ مدیران و مالکان شرکت‌ها در محافل سیاسی و روابط آن‌ها با کانون‌های قدرت سیاسی است (فاسیو^۱، ۲۰۰۶؛ چانی و همکاران^۱، ۲۰۱۱). در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. با این حال در برخی کشورها، نظام اقتصادی مبتنی بر روابط به وسیله الزامات قانونی ضعیف و عدم شفافیت شناخته می‌شوند. مدیران دارای روابط سیاسی می‌توانند از قدرت سیاسی برای تقویت جایگاه خود و تأثیر بر نتایج شرکت استفاده کنند. روابط نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی شرکت‌ها، بلکه بر انگیزه‌های مدیران در ارتباط با گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد. سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت‌ها و دولتی بودن برخی شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار بر نظام اقتصادی حاکم بر کشور باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی شده است. در مطالعات مختلفی، وجود روابط سیاسی از ابعاد منافع و مخارج مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در برخی مطالعات به ابعادی از منافع روابط سیاسی در شرکت‌ها

از جمله دسترسی آسان‌تر به منابع مالی، وام‌های بانکی و بودجه‌هایی با شرایط مناسب، بهبود عملکرد، افزایش ارزش سهام، هزینه سرمایه کمتر، ریسک کمتر، قدرت بازار بیشتر، عملکرد بهتر در بازار سرمایه، امتیازهای معامله از قبیل اولویت در قراردادهای دولتی اشاره شده است. از طرفی، برخی مطالعات حاکی از وجود ابعادی از مخارج روابط سیاسی در شرکت‌ها از جمله کیفیت اطلاعات مالی پایین‌تر، انتخاب مدیران و اعضای هیأت مدیره با صلاحیت پایین، کاهش عملکرد بلندمدت شرکت به دلیل کاهش انگیزه‌های مدیریتی یا ناکارآمدی، رانت‌های اقتصادی ویژه و معافیت در برابر قوانین معین، فرصت‌های رشد کمتر، هزینه بدهی بالاتر، کارآیی کمتر، اجتناب مالیاتی، دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت و هزینه‌های نمایندگی بالاتر هستند (فاسیو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ فان و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ بوبکری و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۸؛ فاسیو^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ براگیون و مور^{۱۶}، ۲۰۱۱؛ برتراند و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۸). در بازارهای با محیط قانونی ضعیف، تلاش مدیران در دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت سبب می‌شود شرکت‌ها به سمت بهره‌گیری از روابط سیاسی تمایل نشان دهند (فاسیو^{۱۱}، ۲۰۰۶). از آنجا که طبق مبانی نظریه نمایندگی، تلاش مدیران در دسترسی به منافع شخصی منجر به تضادهای نمایندگی بالاتر می‌شود، از این رو پیش‌بینی می‌شود شرکت‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی بالاتری داشته باشند (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶). از دیگر سو، به واسطه منافع ناشی از روابط سیاسی مبنی بر تلاش جهت همگرایی منافع بین ذی‌نفعان، ممکن است در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی کمتر باشد.

یکی از راهکارهای کاهش مشکلات نمایندگی، تقاضا برای انجام خدمات حسابرسی است. طبق مبانی نظری فرضیه‌های مختلفی در توجیه تقاضا برای ارائه خدمات حسابرسی مطرح شده‌اند که شامل فرضیه نظارت نمایندگی، فرضیه اعتباربخشی و فرضیه علامت‌دهی هستند که متناسب با شرایط فرهنگی و محیط قانونی و قضایی کشورها ترجیحات مختلفی برای آن‌ها وجود دارد (لم^{۱۸}، ۱۹۹۸). طبق فرضیه نمایندگی، تقاضای حسابرسی ناشی از تضاد منافع مدیران با سهامداران، بستنکاران و ذی‌نفعان است و حسابرس به عنوان رابط می‌تواند هزینه نمایندگی ناشی از رفتار خودسرانه کارگزاران را کاهش دهد. فرضیه نظارت فراهم‌کننده شواهد کافی برای استفاده مدیران از خدمات حسابرسی با کیفیت بالا است. مطالعات گوناگونی در زمینه هزینه نمایندگی و تقاضا برای حسابرسی با کیفیت برانگیختن مدیران برای استفاده از حسابرسان شایسته وجود دارد (واتس و زیمرمن^{۱۹}، ۱۹۸۳). در شرایط وجود تضاد منافع بین سهامداران و مدیران ناشی از مشکلات نمایندگی، وجود مکانیزمی کنترلی جهت حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات مالی ضروری است (مکنایت و ویر^۲، ۲۰۰۹). در برخی مطالعات نقش حسابرس و ساختارهای کیفیت حسابرسی به عنوان عاملی جهت کنترل مشکلات نمایندگی ارزیابی شده است. حسابرسان وظیفه کاهش هزینه نمایندگی را بر عهده دارند (واتس و زیمرمن^{۱۹}، ۱۹۸۳) و خدمات حسابرسی باید مشکلات نمایندگی که موجب رشد تضاد منافع بین سهامداران، دارندگان اوراق بدهی و مدیران می‌شوند را کاهش دهند (جنسن و مک‌کلینگ^۹، ۱۹۷۶). دلیل اصلی تقاضا برای خدمات حسابرسی به عنوان ابزار نظارتی را می‌توان تضاد منافع موجود

بین مالکان و مدیران شرکت‌ها دانست. پیامد تضاد منافع بین مدیران و سایر گروه‌های ذی‌نفع، تحمل هزینه‌های نمایندگی از سوی افراد ذی‌نفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود و یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع است. مدیران با داشتن اختیار عمل از سوی سایر ذینفعان در کانون تضاد منافع قرار دارند و تلاش می‌کنند از طریق ارایه اطلاعات مالی شرکت، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند؛ اما به واسطه برخی نشانه‌های تضاد منافع و انگیزه‌های اختیاری مدیران، اطلاعات ارایه شده توسط مدیران ممکن است با سوءگیری‌هایی همراه باشد. طبق مبانی تئوری نمایندگی، با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی مستقل افزایش می‌یابد (فان و وانگ^{۲۰}، ۲۰۰۵). با این حال، نقش حسابرسان بدون توجه به کیفیت حسابرسی نمی‌تواند به تنهایی پاسخگوی نیاز به کنترل مشکلات نمایندگی باشد. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه سعی داشته‌اند عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی را بررسی نمایند و متغیرهای متفاوتی مرتبط با کیفیت خدمات حسابرسی مطرح شده‌اند. کیفیت حسابرسی عبارت از توانایی حسابرس در کاهش پارازیت، سوءگیری و بهبود کیفیت داده‌های حسابداری است (والاس^{۲۱}، ۲۰۰۴). کیفیت حسابرسی حاکی از ارزیابی بازار از این احتمال است که صورت‌های مالی حاوی تحریف‌های با اهمیت است و حسابرس تحریف‌ها را کشف و گزارش نماید (دی‌آنجلو^{۲۲}، ۱۹۸۱). ویژگی‌های مختلفی مانند انگیزه (حسابرس با وجوه انگیزه‌های صرفه اقتصادی با ریسک برخورد می‌کند)، عدم اطمینان (گزارش حسابرسی خروجی فرآیند حسابرسی است، اما نتیجه حاصل از آن نامعلوم است)، ماهیت منحصر به فرد هر قرارداد (کیفیت هر فرآیند حسابرسی به دلیل ویژگی‌های خاص صاحبکار، تیم حسابرسی و زمان‌بندی کار متفاوت است)، ماهیت فرآیند (هر کار حسابرسی شامل اجرای مجموعه روش‌های تعیین شده طبق استانداردهای حسابرسی است)، قضاوت حرفه‌ای (اجرای فرآیند حسابرسی مستلزم استفاده بهینه از دانش و مهارت متخصصان حسابرسی است) می‌توانند با توجه به میزان بروز در هر قرارداد حسابرسی بر کیفیت حسابرسی اثر داشته باشند. شواهد حاکی از آن است که معیارهای عینیت (بی‌طرفی)، صداقت (درستی)، ناکارآمدی حسابرسی و فرهنگ اخلاقی از معیارهای تأثیرگذار در آئین رفتار حرفه‌ای در راستای کیفیت حسابرسی مستقل مطابق با تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده، تئوری عمل منطقی و تئوری ساختار اجتماعی و فرهنگی هستند (کریم‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱). ساختار کیفیت حسابرسی از سازه‌های گوناگون تأثیر می‌پذیرد و انتخاب معیار مشخص ارزیابی آن دشوار است. معیارهای کیفیت حسابرسی طبق معیارهای مبتنی بر ورودی، معیارهای مربوط به فرآیند حسابرسی و معیارهای مبتنی بر خروجی تفکیک شده‌اند (نیچل و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۳؛ دیفوند و ژانگ^{۲۴}، ۲۰۱۴). مطالعات در این زمینه نشان از این موضوع دارد که به غیر از موارد معدود، نه تنها تئوری سازی و مدل پردازی کافی در زمینه کیفیت حسابرسی صورت نگرفته، بلکه الگو و مفهوم پردازی لازم نیز در این زمینه خصوصاً از دیدگاه ذینفعان انجام نشده است. این موضوع، یکی از نقصان‌هایی است که به وضوح در ادبیات تئوریک و تجربی حسابرسی قابل مشاهده است و باعث شده تا انتظارات ذینفعان در زمینه کیفیت حسابرسی به نحوی شایسته محقق نشود. یکی از علل عمده نقصان مذکور و نتیجه آن، وجود برداشت‌های متفاوت از مفهوم و کارکرد کیفیت حسابرسی و همچنین چند

وجهی و غامض بودن مفهوم و کارکرد تئوریک و تجربی کیفیت حسابرسی است (دلبری راغب و اسماعیل‌زاده، ۱۴۰۲).

مطالعات حوزه کیفیت حسابرسی نشان داده‌اند کیفیت حسابرسی با شهرت، رتبه کیفی و اندازه حسابرس رابطه دارد. ارزیابی کیفیت و اعتبار حسابرسی مقوله‌ای چند بعدی است؛ از این رو، عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی باید از جنبه‌های گوناگون شامل ویژگی‌های فردی حسابرسان، عوامل ساختار سازمانی مؤسسات حسابرسی، عوامل فرهنگی، عوامل زمینه‌ای اجتماعی، عوامل اقتصادی و سایر عوامل مورد بررسی قرار گیرد (بوستانی و دارابی، ۱۴۰۲). مؤسسه‌های حسابرسی مشهور از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردارند و توانایی بالاتر در کشف تحریفات با اهمیت دارند (هوپ و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۲). مؤسسه‌های حسابرسی معتبر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند؛ زیرا علاقمندند شهرت بیشتر در بازار بدست آورند و چون تعداد صاحبکاران زیاد است، نگران از دست دادن آن‌ها نیستند و از طرفی وابستگی کمتری به آن‌ها دارند (دی‌آنجلو^{۲۲}، ۱۹۸۱). تفاوت اثربخشی مؤسسات حسابرسی از تضاد انگیزه مدیران شرکت‌ها و حسابرسان در گزارشگری ناشی می‌شود (کیم و همکاران^{۲۴}، ۲۰۰۳). هزینه‌های ارزیابی کیفیت سبب می‌شود حسابرسان در یکنواخت نمودن سطح کیفیت متخصص شوند؛ در نتیجه مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ در واکنش به هزینه‌های ارزیابی و هزینه‌های کاهش استقلال ایجاد شدند (دی‌آنجلو^{۲۲}، ۱۹۸۱). کیفیت حسابرسی تابعی از رویه‌های حسابرسی و تعداد حسابرسان می‌باشد و مؤسسات حسابرسی معتبر بزرگ منابع بیشتری برای هدایت آزمون‌های حسابرسی دارند (دوپاچ و سیمونیچ^{۲۵}، ۱۹۸۲). به هر حال، به کارگیری منابع برای بالا بردن کیفیت حسابرسی از قابلیت استفاده منابع مهم‌تر است. ادبیات حسابرسی به طور عمده بر دو جنبه کلیدی کیفیت حسابرسی متمرکز شده‌اند که شامل انگیزه‌های دادخواهی و انگیزه‌های شهرت هستند (اسکینر و سرینیواسان^{۲۶}، ۲۰۱۲). انگیزه‌های دادخواهی عامل محرک برانگیختن تمایل حسابرسان به فراهم آوردن حسابرسی با کیفیت به منظور جلوگیری از هزینه‌های دعاوی حقوقی است (دیفوند و همکاران^{۲۷}، ۲۰۰۲)؛ اما انگیزه‌های شهرت سبب حفاظت حسابرسان در مقابل زبان‌های جاری و آتی می‌شود (کریشنامورتی و همکاران^{۲۸}، ۲۰۰۶؛ مپهو و همکاران^{۲۹}، ۲۰۰۱). اما در غیاب انگیزه دادخواهی، حسابرسان از انگیزه بالا جهت حفظ شهرت در ارائه حسابرسی با کیفیت برخوردارند (داتار و آلس^{۳۰}، ۱۹۹۹). حسابرسان معتبر نسبت به سایر حسابرسان توانایی نظارت بیشتر دارند. انتخاب حسابرسان با کیفیت از طریق کاهش توانایی مدیران برای دستکاری سود در مسیر سود هدف، مسائل نمایندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دیویدسون و نئو^{۳۱}، ۱۹۹۳). تأثیر منفی کیفیت حسابرسی بر هزینه نمایندگی در مطالعاتی تأیید شده است (اوسو و ویر^{۳۲}، ۲۰۱۸). در شرکت‌های با هزینه نمایندگی بالا جهت کاهش هزینه‌ها، تمایل بیشتری جهت حسابرسی از طریق حسابرس معتبر بزرگ وجود دارد (هوپ و همکاران^{۳۳}، ۲۰۱۲) و بکارگیری حسابرسان مشهور با کیفیت عامل کاهش هزینه‌های نمایندگی است (آکوی و رامادان^{۳۴}، ۲۰۱۹). با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا حداقل کردن آثار ناشی از تضاد منافع، متحمل هزینه‌های نمایندگی می‌شوند.

افزایش هزینه‌های نمایندگی بیانگر افزایش شدت تضاد منافع در شرکت‌ها است (جنسن و مک‌لینگ،^۹ ۱۹۷۶). حسابرسی ابزاری جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی است، اما در انتخاب حسابرس موازنه بین هزینه‌های نمایندگی و سایر هزینه‌های مربوط به تعویض حسابرس موضوعی است که در مطالعات حسابرسی چالش برانگیز است. در خصوص تأثیر دوره تصدی و چرخش حسابرس بر کیفیت حسابرسی دو دیدگاه شامل فرضیه تخصص حسابرس و فرضیه استقلال حسابرس مطرح شده‌اند. فرضیه تخصص حسابرس بر این باور است که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد. برعکس، فرضیه استقلال معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است. در واقع، موافقان بر این باورند چرخش حسابرس سبب افزایش استقلال حسابرس می‌گردد و این امر به نوبه خود باعث افزایش کیفیت حسابرسی و در نتیجه افزایش خالص منافع نمایندگی می‌گردد. در حالی که مخالفان مدعی هستند هزینه‌های مربوط به کاهش طول دوره تصدی و چرخش حسابرس بیشتر از منافع نمایندگی است؛ طبق این رویکرد شرکت‌هایی که مسائل نمایندگی بیشتری دارند، به احتمال زیاد روابط پایدار و مستحکم با حسابرس قبلی برقرار خواهند کرد و چرخش حسابرس در آن‌ها کمتر است (بلوین و همکاران^{۳۳}، ۲۰۰۷). از طرفی، برخی شواهد نشان داده است هرچه نفوذ سیاسی مدیران واحدها در محیط کسب و کار بیشتر باشد، تقاضا برای خدمات حسابرسی مؤسسات کوچک افزایش می‌یابد. این موضوع موجب تغییر حسابرس از مؤسسات بزرگ حسابرسی به مؤسسات کوچک‌تر می‌شود (سریندهی و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۲). مطالعات دیگری حاکی از این است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، تمایل کمتری به چرخش حسابرس دارند (بروکس^{۳۵}، ۲۰۱۶). یکی دیگر از موارد قابل بررسی در زمینه خدمات حسابرسی، توجه به تخصص حسابرس در صنعت است. تخصص حسابرس در صنعت شامل ارائه افکار سازنده جهت خلق ارزش برای صاحبکاران و فراهم کردن راهکارهای تازه برای موضوعاتی است که صاحبکاران در صنایع خود با آن روبه‌رو می‌شوند (کند^{۳۶}، ۲۰۰۸). مؤسسات حسابرسی دارای تجربه خاص در صنعت می‌توانند با بهره‌گیری از دانش تخصصی و بکارگیری برنامه‌های حسابرسی مناسب به کیفیت حسابرسی مناسب دست یابند. از دید عرضه‌کننده، تخصص صنعت مؤسسات حسابرسی باعث افزایش تقاضا برای خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی، بهبود کارایی حسابرسی از طریق صرفه اقتصادی، ایجاد تمایز در خدمات حسابرسی، ایجاد موانع ورود با الزام داوطلبین جدید به سرمایه‌گذاری منابع هنگفتی در صنایع مربوط و تأثیر بر پیامدهای حسابرسی مرتبط با مشتری مثل حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (گراملینگ و استون^{۳۷}، ۲۰۰۱). شواهدی نشان داده‌اند تلاش شرکت‌ها در راستای کاهش تضادهای نمایندگی سبب شده است از حسابرسان متخصص در صنعت بهره ببرند (چیانگ^{۳۸}، ۲۰۱۳) و شرکت‌های برخوردار از حسابرس بزرگ متخصص، هزینه نمایندگی کمتری دارند. در واقع شرکت‌های با روابط سیاسی جهت کاهش هزینه نمایندگی، تقاضای بیشتری برای استفاده از حسابرسان متخصص در صنعت دارند (بروکس^{۳۵}، ۲۰۱۶).

از این رو، مقاله حاضر کنکاشی در مورد کنش حسابرسان مستقل در مواجهه با تضادهای نمایندگی در شرکت‌های بر خوردار از روابط سیاسی ارائه می‌نماید. در ادامه، ضمن تأکید بر مبانی نظری و ارائه پیشینه‌های تجربی، نسبت به توسعه استدلالی فرضیه‌های پژوهش اقدام شده است.

۳. توسعه فرضیه‌های پژوهش

* روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی

طبق نظریه نمایندگی، مشکلات ناشی از تلاش مدیران در دسترسی به منافع شخصی منجر به ایجاد تضادهای نمایندگی می‌شود. در بازارهای با محیط قانونی ضعیف، تلاش مدیران جهت دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت سبب تمایل آن‌ها نسبت به بهره‌گیری از روابط سیاسی شده است (فاسیو^{۱۱}، ۲۰۰۶) و برخورداری از روابط سیاسی به واسطه واگرایی منافع سبب افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶). در واقع، دستیابی به روابط سیاسی در شرکت‌ها نمادی از وقوع مشکلات نمایندگی است (سونگ و همکاران^{۵۷}، ۲۰۲۲) و وجود روابط سیاسی متضمن هزینه‌های نمایندگی بالاتری است (فاسیو^{۱۱}، ۲۰۰۶). از طرفی، ممکن است برخورداری از روابط سیاسی به واسطه مزایای ناشی از آن جهت همگرایی منافع سبب کاهش هزینه‌های نمایندگی شود. سهولت تأمین منابع مالی، کاهش هزینه سرمایه، کاهش ریسک، افزایش قدرت بازار، افزایش عملکرد در بازار سرمایه و افزایش ارزش سهام از منافع برخورداری روابط سیاسی هستند و در نقطه مقابل کاهش شفافیت و کیفیت اطلاعات مالی، افزایش مدیریت سود، ناکارآمدی و صلاحیت پایین مدیران، کاهش عملکرد، رانتهای اقتصادی، کاهش فرصت رشد، افزایش هزینه بدهی و سرمایه، کاهش کارایی، اجتناب مالیاتی، دستیابی به منافع شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت و افزایش هزینه نمایندگی از مخارج برخورداری از روابط سیاسی هستند (فاسیو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ فان و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ بوبکری و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۸؛ فاسیو^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ براگیون و مور^{۱۶}، ۲۰۱۱؛ چانی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۱؛ سرینیدهی و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۲؛ آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ برتراند و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۸). شواهدی نشان داده‌اند شرکت‌های بر خوردار از مدیران با روابط سیاسی دارای پیامدهایی شبیه شرکت‌های با مالکیت دولتی در نقش سهامداران کنترلی هستند (شلیفر و ویشنی^{۵۰}، ۱۹۹۴؛ کارنی و همکاران^{۵۱}، ۲۰۲۰). در حقیقت ویژگی‌های این شرکت‌ها از ابعاد مزایا و معایب نزدیک به هم هستند (فاسیو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ برتراند و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۸). شواهد حاکی از وقوع هزینه‌های نمایندگی ناشی از فرآیند تونل‌زنی سهامداران کنترلی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی است. روابط سیاسی با افزایش انگیزه و کاهش هزینه‌های تونل‌زنی توسط سهامداران بزرگ، تضادهای نمایندگی بین سهامداران عمده کنترل کننده و سهامداران خرد را تشدید می‌کند (هو و همکاران^{۴۳}، ۲۰۲۰). سهامداران کنترل کننده شرکت‌های دارای روابط سیاسی به احتمال زیاد برای پوشش منابع صرف شده برای ایجاد ارتباطات سیاسی، مشمول ریسک سلب مالکیت سهامداران اقلیت می‌شوند. به علاوه، روابط سیاسی از شرکت‌ها در برابر تحریم‌ها و نظارت‌های مقامات قانونی محافظت می‌کند. تضعیف نظم و

انضباط خارجی به طور قابل توجهی مجازات تونل‌زنی را کاهش می‌دهد و فرصت را برای مالکان شرکت برای پیگیری منافع خصوصی افزایش می‌دهد. در این شرایط، شواهد متقاعدکننده‌ای نشان دهنده آن است که شرکت‌های با روابط سیاسی دارای هزینه نمایندگی بالاتری هستند (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ هو و همکاران^۲، ۲۰۲۰، ۴۳). در برخی مطالعات داخلی شواهد متناقضی در زمینه وقوع مشکلات نمایندگی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی مشاهده شده است. در عین حالی که یافته‌های برخی پژوهش‌ها بیانگر تأثیر مثبت روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ شاه‌صاحبی و دارابی، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ حسینی و صالحی، ۱۳۹۹)، با این وجود شواهدی در نقطه مقابل حاکی از آن است که روابط سیاسی در شرکت‌های با مالکیت نهادی وابسته به دولت ارتباط منفی با هزینه نمایندگی دارد (جنت‌مکان و همکاران، ۱۳۹۸). علیرغم وجود شواهد متناقض در حوزه منافع و مخارج روابط سیاسی، برخی شواهد گویای افزایش تضادهای نمایندگی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی درگیر ریسک‌ها و هزینه‌های بالای نمایندگی هستند؛ زیرا روابط سیاسی بر اساس فساد و بدرفتاری‌های مالی شکل می‌گیرد و بر این اساس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: در شرکت‌های صاحبکار برخوردار از روابط سیاسی در سطوح مالکیت-مدیریت، سطح بالاتری از هزینه‌های نمایندگی وجود دارد.

* ساختار کیفی حسابرسی و هزینه‌های نمایندگی

طبق نتایج برخی مطالعات، مکانیزم حسابرسی موجب کاهش تضاد نمایندگی می‌شود (جنسن و مک‌لینگ^۳، ۱۹۷۶) و مؤلفه‌های کیفیت حسابرسی ضمن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی از طریق بهبود کیفیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی (تسما^۴، ۲۰۲۰)، نقش مؤثر در کاهش هزینه‌های نمایندگی داشته‌اند (کورتن و همکاران^۵، ۲۰۱۷؛ اوسو و ویر^۶، ۲۰۱۸). در واقع، کیفیت حسابرسی با ایجاد محیط اطلاعاتی مناسب منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود (گیست و عبدالوهاب^۷، ۲۰۲۰). معیارهای مطرح در بحث ساختار کیفیت حسابرسی از دو بعد معیارهای ورودی و خروجی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (دیفوند و ژانگ^۸، ۲۰۱۴). شواهد گوناگونی نیز از نقش کیفیت حسابرسی در کاهش هزینه‌های نمایندگی مشاهده شده‌اند (اوسو و ویر^۹، ۲۰۱۸؛ کورتن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۷). در این زمینه شواهدی از نقش اندازه، شهرت و اعتبار کیفی حسابرس در بهبود کیفیت حسابرسی و کاهش ضمنی هزینه‌های نمایندگی در دسترس است (آریفور و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶؛ آکوی و رامادان^{۱۲}، ۲۰۱۹). برخی شواهد حاکی از پذیرش این استدلال است که در صورت مهم تلقی شدن اندازه و شهرت حسابرس در بازار خدمات حسابرسی، هرگونه کاهش قابل توجه در کیفیت خدمات حسابرسی سبب پیامدهای معکوسی برای صاحبکاران می‌شود (لنوکس^{۱۳}، ۱۹۹۹؛ شو^{۱۴}، ۲۰۰۰؛ بارتون^{۱۵}، ۲۰۰۵؛ کریشنامورتی و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۶؛ وبر و همکاران^{۱۷}، ۲۰۰۸؛ کاهان و همکاران^{۱۸}، ۲۰۰۹). از این رو، شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی بالا جهت کاهش

هزینه‌ها، تمایل بیشتری به انجام حسابرسی با کیفیت از طریق حسابرسان بزرگ دارند (فان و وانگ^{۲۰}، ۲۰۰۵؛ هوپ و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۲). همچنین در شرکت‌های مواجه با هزینه‌های نمایندگی، حق‌الزحمه حسابرسان بزرگ بیشتر است (فان و وانگ^{۲۰}، ۲۰۰۵). برخی مطالعات بیانگر ارتباط مسائل نمایندگی و تمایل شرکت‌ها به برقراری روابط پایدار با حسابرس قبلی و پیروی از چرخش کمتر حسابرس است (بلوین و همکاران^{۲۲}، ۲۰۰۷). علاوه بر این، شواهدی نشان داده‌اند تلاش شرکت‌ها جهت کاهش تضادهای نمایندگی سبب بهره‌گیری از حسابرسان متخصص در صنعت شده است (چیانگ^{۲۳}، ۲۰۱۳؛ بروکس^{۲۴}، ۲۰۱۶؛ آکوی و رامادان^{۲۵}، ۲۰۱۹). طبق برخی مطالعات، هرچند افزایش هزینه نمایندگی سهامداران/اعتباردهندگان و افزایش هزینه نمایندگی سهامداران/مدیران رابطه منفی با تقاضا برای کیفیت حسابرسی دارد، اما هزینه نمایندگی سهامداران اکثریت/اقلیت رابطه مثبتی با تقاضا برای حسابرسی با کیفیت دارد (فوسونگ و همکاران^{۲۶}، ۲۰۲۲). معیارهای کیفیت حسابرسی عناصر اصلی کاهش هزینه نمایندگی شرکت‌ها هستند. در مواردی که محیط قانونی ضعیفی وجود دارد، کیفیت حسابرسی نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی ایفا می‌کند؛ زیرا کیفیت حسابرسی می‌تواند نقش نظارت خارجی مهمی را در محیط‌های بدون نظارت نهادی قوی ایفا کند (فان و وانگ^{۲۰}، ۲۰۰۵). در برخی مطالعات داخلی شواهد متناقضی در مورد ارتباط بین هزینه‌های نمایندگی و معیارهای کیفیت حسابرسی مشاهده شده است. در عین حالی که یافته‌های برخی پژوهش‌ها بیانگر تأثیر منفی کیفیت حسابرسی، شهرت حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ شاه‌صاحبی و دارابی، ۱۳۹۷؛ حسنی و صالحی، ۱۳۹۹)، با این وجود شواهدی نیز در نقطه مقابل حاکی از آن است که با افزایش کیفیت حسابرسی، هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌یابد (کرمشاهی، ۱۳۹۶). مطالعات دیگری نشان دادند شرکت‌هایی که به دلیل شدت تضاد منافع دارای هزینه‌های نمایندگی بیشتری هستند، روابط پایدارتری با حسابرس داشته و تقاضای حسابرسی توسط حسابرس با دوره تصدی بالا، بیشتر است (دیدار و همکاران، ۱۳۹۱؛ قیطاسی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ در واقع، اثربخشی بیشتر خدمات حسابرسی مستقل در کاهش پیامدهای نظریه نمایندگی و بهبود کیفیت افشا و شافیت شرکتی در شرکت‌هایی بیشتر است که حسابرس خود را در دوره زمانی چهار سال تغییر نداده‌اند و حسابرسان دوره تصدی بیشتری داشته‌اند (علوی‌طبری و پارسایی، ۱۳۹۸)؛ همچنین افزایش هزینه‌های نمایندگی با کاهش انتخاب حسابرس بزرگ همراه است (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۲)؛ اما یافته‌هایی حاکی از آن است که با کاهش هزینه‌های نمایندگی، حق‌الزحمه حسابرسی و احتمال انتخاب حسابرس بزرگ کاهش می‌یابد (جمالی و کرمی، ۱۳۹۵). به علاوه، حضور حسابرس متخصص در صنعت سبب شده است رابطه مثبت بین ناخوانایی گزارشگری مالی و هزینه‌های نمایندگی به صورت منفی تعدیل شود (باغومیان و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به وجود شواهد متفاوت در زمینه پیامدها و اثربخشی ارکان کیفیت حسابرسی از بعد اعتبار کیفی، چرخش و تخصص حسابرس، فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش به شرح زیر هستند:

فرضیه دوم: در شرکت‌های صاحبکار حسابرسی شده توسط حسابرسان با امتیاز کیفی بالا، سطح هزینه‌های نمایندگی با کاهش همراه است.

فرضیه سوم: در شرکت‌های صاحبکار حسابرسی شده توسط حسابرسان جدید در رخداد چرخش، سطح هزینه‌های نمایندگی با کاهش همراه است.

فرضیه چهارم: در شرکت‌های صاحبکار حسابرسی شده توسط حسابرسان متخصص در صنعت، سطح هزینه‌های نمایندگی با کاهش همراه است.

* ساختار کیفی حسابرسی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی

در بررسی مشکلات نمایندگی، ارزیابی تعامل برخی عوامل از اهمیت برخوردار است. یکی از موضوعات قابل توجه، به بحث ارتباط بین روابط سیاسی و کیفیت حسابرسی اشاره دارد. روابط سیاسی می‌تواند بسته به ویژگی‌های قانونی، نهادی و فرهنگی حاکم در محیط تأثیر متفاوتی به طور نامطلوب (به مخاطره افتادن استقلال حسابرس) یا به طور مطلوب (کاهش احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی ابهام در تداوم فعالیت) بر رفتار حسابرس بگذارد. از طرفی، فساد سیاسی سبب افزایش ریسک‌های ارزیابی شده حسابرسی شده که می‌تواند سبب افزایش احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی ابهام در تداوم فعالیت و افزایش تلاش حسابرسی از ابعاد حق‌الزحمه حسابرسی و تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی شود (ایمن و همکاران^{۵۸}، ۲۰۲۲). طبق برخی شواهد، احتمال بکارگیری حسابرس با کیفیت بالا در شرکت‌های دارای روابط سیاسی با افزایش همراه است (لیو و همکاران^۷، ۲۰۱۷). بر اساس این مطالعات، شرکت‌های با روابط سیاسی، تمایل بیشتری به استفاده از حسابرس بزرگ دارند. همچنین در شرکت‌هایی که افراد درون سازمانی ساختار مالکیت با هزینه سهامداران اقلیت به منافعی دست پیدا می‌کنند، همچنین در شرکت‌های فعال در کشورهایی با محیط نهادی ضعیف، بین روابط سیاسی و حضور حسابرس بزرگ ارتباط قوی وجود دارد (گدحامی و همکاران^۶، ۲۰۱۴). به علاوه شرکت‌های دارای روابط سیاسی که از حسابرسان بزرگ بهره گرفته‌اند، مدیریت سود کمتر و شفافیت اطلاعات بالاتر است (گدحامی و همکاران^۶، ۲۰۱۴؛ خلیل و همکاران^{۴۰}، ۲۰۲۲). از طرفی، مطالعاتی بیانگر آن است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی تقاضای کمتری برای حسابرسی با کیفیت دارند (چنگ و همکاران^{۶۰}، ۲۰۱۵). شرکت‌های دارای روابط سیاسی تمایل دارند حسابرسان غیربزرگ، غیربرتر و مؤسسات حسابرسی کوچک را جهت حسابرسی برگزینند (چنگ و همکاران^{۶۰}، ۲۰۱۵؛ حبیب و همکاران^۸، ۲۰۱۷؛ هی و همکاران^{۴۷}، ۲۰۱۷؛ اوتامانینگسی^{۴۴}، ۲۰۱۹) و تمایل بیشتری به چرخش حسابرس از طریق تغییر به مؤسسه حسابرسی کوچک دارند (سرینیدی و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۲). این شرکت‌ها، حق‌الزحمه بالاتری به حسابرسان پرداخت می‌کنند (گول^{۴۹}، ۲۰۰۶؛ اوتامانینگسی^{۴۴}، ۲۰۱۹؛ امین و همکاران^{۵۹}، ۲۰۲۱)، تأخیر بیشتری در ارائه گزارش حسابرسی دارند (اوتامانینگسی^{۴۴}، ۲۰۱۹) و اظهارنظر مقبول حسابرسی بیشتری دریافت می‌نمایند (هی و همکاران^{۴۷}، ۲۰۱۷). هنگام وجود پیامدهای مخرب روابط سیاسی در زمینه افزایش هزینه‌های نمایندگی، وجود

حسابرسان با کیفیت می‌تواند سبب تعدیل و تضعیف این آثار شود. حسابرسان مستقل با کیفیت ایفاگر نقش نظارتی در شرکت‌هایی هستند که در آن‌ها حمایت ضعیفی از سهامداران به‌عمل می‌آید. کیفیت حسابرسی از طریق بهبود کیفیت و قابلیت اتکای اطلاعات مالی و با ایجاد محیط اطلاعاتی مناسب سبب کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی شده است (تسما ۲۰۲۰،^{۴۱}؛ گیست و عبدالوهاب^{۴۲}، ۲۰۲۰). به علاوه، کیفیت بالای حسابرسی سبب تضعیف رابطه منفی بین ارتباطات سیاسی با کیفیت اطلاعات مالی شده است (گیست و عبدالوهاب^{۴۲}، ۲۰۲۰). طبق برخی مطالعات نقش کیفیت حسابرسی از بعد شهرت و اعتبار، تخصص صنعت و چرخش حسابرسان در ارتباط با روابط سیاسی از منظر هزینه‌های نمایندگی بحث شده است (سریندهی و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۲؛ گدحامی و همکاران^۶، ۲۰۱۴؛ آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ بروکس^{۳۵}، ۲۰۱۶؛ اوتامانینگسی^{۴۴}، ۲۰۱۹). استدلال شده است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی جهت کاهش هزینه نمایندگی، تقاضای بیشتری در استفاده از حسابرسان متخصص صنعت دارند (بروکس^{۳۵}، ۲۰۱۶). همچنین شرکت‌های با روابط سیاسی و برخوردار از حسابرسان متخصص صنعت، تمایل کمتر به چرخش حسابرسان دارند (بروکس^{۳۵}، ۲۰۱۶). در شرکت‌های با روابط سیاسی که دارای هزینه نمایندگی بالاتر هستند، حضور حسابرسان بزرگ سبب تضعیف ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی می‌شود (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶). یافته‌های برخی مطالعات داخلی نیز شواهدی ارائه نموده‌اند که بیانگر ارتباط مثبت بین روابط سیاسی و تغییر حسابرسان (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۲)، همچنین نقش تعدیل‌گر و تضعیف‌کننده معیارهای کیفیت حسابرسان، شهرت حسابرسان و اندازه حسابرسان بر ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی است (شاه‌صاحبی و دارابی، ۱۳۹۷؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ حسنی و صالحی، ۱۳۹۹). به‌طور کلی، حسابرسان هنگام حسابرسی شرکت‌ها، به دنبال ارزیابی ریسک‌های مرتبط با آن شرکت هستند. حسابرسان با تحلیل ریسک‌ها نسبت به اجرای فرآیند حسابرسی اقدام می‌کنند. شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی دارای ریسک ذاتی بالایی هستند که حسابرسان قبل از اعمال کنترل‌های داخلی ارزیابی می‌کنند (گول^{۴۹}، ۲۰۰۶). طبق برخی شواهد، روابط سیاسی باعث افزایش فعالیت‌های متقلبانه در شرکت می‌شود و رابطه مثبت بین روابط سیاسی با ضعف گزارشگری مالی، مدیریت سود و تحریف در گزارش سود وجود دارد. این موضوع سبب تشدید تضادهای نمایندگی شده و با افزایش هزینه‌های نمایندگی همراه است. در این موارد، زمانی که حسابرسان ریسک بالای حسابرسی را تشخیص دهند، به دنبال تلاش حسابرسی بیشتری در انجام حسابرسی شرکت هستند. بر این اساس، معیارهای کیفیت حسابرسی عناصر اصلی کاهش هزینه نمایندگی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی هستند. از این رو، فرضیه‌های پنجم، ششم و هفتم پژوهش به شرح زیر هستند:

فرضیه پنجم: امتیاز کیفی حسابرسان سبب تعدیل ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه نمایندگی می‌شود.

فرضیه ششم: چرخش حسابرسان سبب تعدیل ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه نمایندگی می‌شود.

فرضیه هفتم: تخصص حسابرسان در صنعت سبب تعدیل ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه نمایندگی می‌شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از دیدگاه هدف نوعی پژوهش کاربردی و مبتنی بر روش پژوهش توصیفی است. تحلیل پژوهش از طریق گردآوری داده‌های پس‌رویدادی و آزمون روابط پژوهش از طریق تحلیل رگرسیون قابل بررسی است. گردآوری اطلاعات مبانی نظری و پیشینه‌ها مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌های مورد نیاز در تحلیل‌های پژوهش مبتنی بر روش اسنادکاوی است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است؛ طبق شرایط غربال شرکت‌ها و امکان دسترسی به داده‌های مورد نیاز، تعداد ۲۰۴ شرکت طی دوره ۸ ساله انتخاب شدند و در نهایت تعداد ۱۶۳۲ مشاهده شرکت-سال طبق شرایط مندرج در جدول ۱ از جامعه آماری گزینش شده‌اند. داده‌ها از طریق گزارش‌های مالی حسابرسی شده، گزارش هیأت مدیره، گزارش حسابرس و سایر اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با بکارگیری نرم‌افزار رهاورد نوین و سایت ناشران کدال سازمان بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده‌اند. ساماندهی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اکسل و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ای‌ویوز انجام شده است.

جدول ۱. گزینش جامعه آماری پژوهش

تعداد	شرح / محدودیت‌ها
۵۳۶	تعداد شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده بورسی در پایان دوره پژوهش به استثنای فراپورسی)
(۲۵۴)	شرکت‌های وارد شده به بورس یا از خارج شده از بورس به دلیل عدم حضور مستمر و یا غیرفعال شدن
(۲۱)	شرکت‌های مشمول تغییر سال مالی
(۵۷)	شرکت‌های فعال در حوزه خدمات بانکی، بیمه، لیزینگ، هلدینگ و سرمایه‌گذاری
۲۰۴	شرکت‌های غربال شده از جامعه آماری پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این پژوهش از مدل‌های رگرسیون الگو گرفته شده از مطالعات پیشین (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ اوسو و ویر^۵، ۲۰۱۸؛ آکوی و رامادان^۳، ۲۰۱۹؛ هو و همکاران^۴، ۲۰۲۰) در آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. همچنین متغیرهای پژوهش و نحوه ارزیابی آن‌ها در جدول ۲ بیان شده‌اند:

$$AGC_{it} = \alpha + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 CPE_{it} + \beta_4 DAC_{it} + \beta_5 FLG_{it} + \beta_6 INS_{it} + \beta_7 OCF_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 SGR_{it} + \beta_{10} SIZE_{it} + \beta_m IND_m + \beta_n YEAR_n + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$AGC_{it} = \alpha + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 ARNK_{it} + \beta_3 ARNK_{it} * PC_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 CPE_{it} + \beta_6 DAC_{it} + \beta_7 FLG_{it} + \beta_8 INS_{it} + \beta_9 OCF_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \beta_{11} SGR_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \beta_m IND_m + \beta_n YEAR_n + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

$$AGC_{it} = \alpha + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 AROT_{it} + \beta_3 AROT_{it} * PC_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 CPE_{it} + \beta_6 DAC_{it} + \beta_7 FLG_{it} + \beta_8 INS_{it} + \beta_9 OCF_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \beta_{11} SGR_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \beta_m IND_m + \beta_n YEAR_n + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

$$AGC_{it} = \alpha + \beta_1 PC_{it} + \beta_2 ASPC_{it} + \beta_3 ASPC_{it} * PC_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 CPE_{it} + \beta_6 DAC_{it} + \beta_7 FLG_{it} + \beta_8 INS_{it} + \beta_9 OCF_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \beta_{11} SGR_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \beta_m IND_m + \beta_n YEAR_n + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

جدول ۲. متغیرهای پژوهش

نماد	شرح	نحوه اندازه‌گیری
AGC _{i,t}	هزینه نمایندگی	نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی فروش (مکنایت و ویر، ۲۰۰۹)
PC _{i,t}	روابط سیاسی مالکیت مدیریت	وجود اعضای با ارتباطات سیاسی دولتی در ساختار مالکیت، کد یک و در غیر این صورت کد صفر. شرکت‌های دارای مدیران با ارتباطات سیاسی دارای پیامدهایی شبیه شرکت‌های با مالکیت دولتی در نقش سهامداران کنترلی هستند (کارنی و همکاران، ۲۰۲۰).
ARNK _{i,t}	رتبه کیفی حسابرس	انجام حسابرسی شرکت توسط سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی طبقه اول معتمد سازمان بورس و با رتبه الف عضو جامعه حسابداران رسمی، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
AROT _{i,t}	چرخش حسابرس	تغییر و چرخش دوره‌ای حسابرس شرکت، کد یک و در غیر این صورت کد صفر
ASPC _{i,t}	تخصص صنعت حسابرس	حسابرسی شرکت توسط حسابرسان متخصص طبق سهم بازار، کد یک و در غیر این صورت صفر. اگر سهم بازار حسابرس (نسبت دارایی‌های شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس خاص در صنعت خاص به کل دارایی‌های شرکت‌های موجود در صنعت) بیش از ۱/۳ ضریب یک تقسیم بر تعداد شرکت‌های صنعت باشد، حسابرس متخصص صنعت است.
AGE _{i,t}	عمر معاملاتی	لگاریتم طبیعی سال‌های سپری شده از تاریخ پذیرش در بورس اوراق بهادار
CPE _{i,t}	مخارج سرمایه‌ای	نسبت خالص سرمایه‌گذاری جدید در دارایی‌های ثابت به ارزش دفتری دارایی‌ها
DAC _{i,t}	اقدام تعهدی اختیاری	انحراف معیار قدرمطلق پسماندهای مدل دیچاو و همکاران (۱۹۹۵) با رگرسیون چرخشی ۵ ساله؛ اقلام تعهدی تابعی از تفاوت تغییر درآمد فروش و دریافتنی‌های تجاری و اموال، ماشین‌آلات و تجیزات هم‌مقیاس شده به دارایی‌های اول دوره منظور شد. $TACC_{i,t} = \alpha + \beta_1 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_2 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$
FLG _{i,t}	اهرم مالی	نسبت ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها
INS _{i,t}	مالکیت نهادی	درصد سهام در اختیار سهامداران نهادی دارنده حداقل پنج درصد سهام

نماد	شرح	نحوه اندازه‌گیری
$OCF_{i,t}$	جریان نقد عملیاتی	نسبت خالص جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به ارزش دفتری دارایی‌ها
$ROA_{i,t}$	بازده دارایی‌ها	نسبت سود عملیاتی به ارزش دفتری دارایی‌ها
$SGR_{i,t}$	رشد فروش	درصد تغییرات دوره‌ای درآمدهای عملیاتی فروش شرکت نسبت به دوره گذشته
$SIZE_{i,t}$	اندازه	لگاریتم طبیعی درآمدهای عملیاتی فروش

منبع: آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ اوسو و ویر^۵، ۲۰۱۸؛ آکوی و رامادان^۳، ۲۰۱۹؛ هو و همکاران^۳، ۲۰۲۰.

۵. یافته‌های پژوهش

طبق نتایج بررسی فراوانی مشاهده‌های متغیرهای دو ارزشی پژوهش در جدول ۳، حدود ۶۶/۲۴ درصد مشاهده‌ها دارای روابط سیاسی هستند. ۶۸/۰۸ درصد مشاهده‌ها توسط سازمان حسابرسی، مؤسسات حسابرسی طبقه اول معتمد سازمان بورس و با رتبه کیفی الف جامعه حسابداران رسمی، حسابرسی شده‌اند. در ۲۸/۱۳ درصد مشاهده‌ها چرخش دوره‌ای حسابرس رخ داده است. در ۴۲/۲۲ درصد مشاهده‌ها حضور حسابرس متخصص صنعت مشهود است و این حسابرسان سهم بازار قابل قیاسی نسبت به سایرین در کسب دانش و آگاهی از صنعت مورد بررسی داشته‌اند. سایر نتایج حاکی از آن است که حدود ۴۹/۶۳ درصد از مشاهده‌های دارای روابط سیاسی توسط سازمان حسابرسی، مؤسسات حسابرسی طبقه اول معتمد سازمان بورس و با رتبه کیفی الف جامعه حسابداران رسمی، حسابرسی شده‌اند. تنها در ۱۶/۷۹ درصد مشاهده‌های دارای روابط سیاسی، چرخش دوره‌ای حسابرس رخ داده است. به علاوه، در ۳۲/۱۷ درصد مشاهده‌های دارای روابط سیاسی از حسابرس متخصص صنعت بهره گرفته‌اند.

جدول ۳. نتایج بررسی متغیرهای گسسته پژوهش

متغیرها	کد صفر		کد یک		کل مشاهده‌ها	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
$PC_{i,t}$	۵۵۱	۳۳/۷۶	۱۰۸۱	۶۶/۲۴	۱۶۳۲	۱۰۰
$ARNK_{i,t}$	۵۲۱	۳۱/۹۲	۱۱۱۱	۶۸/۰۸	۱۶۳۲	۱۰۰
$AROT_{i,t}$	۱۱۷۳	۷۱/۸۸	۴۵۹	۲۸/۱۳	۱۶۳۲	۱۰۰
$ASPC_{i,t}$	۹۴۳	۵۷/۷۸	۶۸۹	۴۲/۲۲	۱۶۳۲	۱۰۰
$ARNK_{i,t} * PC_{i,t}$	۸۲۲	۵۰/۳۷	۸۱۰	۴۹/۶۳	۱۶۳۲	۱۰۰
$AROT_{i,t} * PC_{i,t}$	۱۳۵۸	۸۳/۲۱	۲۷۴	۱۶/۷۹	۱۶۳۲	۱۰۰
$ASPC_{i,t} * PC_{i,t}$	۱۱۰۷	۶۷/۸۳	۵۲۵	۳۲/۱۷	۱۶۳۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش در جدول ۴، هزینه‌های عملیاتی به‌طور میانگین ۸/۳۷ درصد درآمدهای عملیاتی فروش است و شاخص هزینه‌های نمایندگی است. بررسی این معیار از بعد کارایی در انجام هزینه‌ها (نهاد) برای کسب درآمدها (ستانده) حائز اهمیت است و فزونی شاخص بیانگر سطح بالاتر هزینه‌های نمایندگی است. عمر مشاهده‌ها به‌طور میانگین ۲/۸۸ واحد لگاریتمی فاصله سال‌های سپری شده از پذیرش شرکت‌ها در بورس است. سرمایه‌گذاری جدید دارایی‌های ثابت به‌طور میانگین ۳/۶۸ درصد دارایی‌ها است و بررسی آن از بعد مسائل نمایندگی در فرآیند سرمایه‌گذاری مهم است. ارقام تعهدی اختیاری به‌طور میانگین ۷/۹۱ درصد دارایی‌های اول دوره است؛ طبق این شاخص مدیران با اعمال نظر در گزارش سود ممکن است بروز هزینه‌های نمایندگی و تضاد منافع را دامن بزنند. بدهی‌ها به‌طور میانگین ۶۰/۴۵ درصد دارایی‌ها است؛ این موضوع از بعد توجه به نقش قرارداد بدهی در روابط مدیران و اعتباردهندگان و احتمال بروز تضاد نمایندگی حائز اهمیت است. به‌طور میانگین ۷۱/۵۸ درصد مالکیت سهام در اختیار سهامداران نهادی است؛ این امر حاکی از نقش نهادها در ساختار مالکیتی سهام شرکت‌ها است و توجه به فرضیه نظارت کارآ و فرضیه اتحاد استراتژیک در رابطه با مسائل نمایندگی را با اهمیت می‌سازد. جریان وجه نقد عملیاتی مشاهده‌ها به‌طور میانگین ۱۱/۱۰ درصد دارایی‌ها است. این بررسی از نظر توجه به منابع و مصارف وجوه نقد شرکت‌ها اهمیت دارد. سود عملیاتی مشاهده‌ها به‌طور میانگین ۱۲/۴۴ درصد دارایی‌ها است؛ این شاخص بیانگر سودآوری شرکت‌ها است و ارزیابی آن در حوزه مسائل نمایندگی از بعد تلاش‌های مدیریت در ایجاد منافع برای سهامداران و ذی‌نفعان را با اهمیت می‌سازد. درآمد عملیاتی فروش به‌طور میانگین ۲۲/۳۲ درصد رشد مثبت داشته است؛ مواجهه با زمینه رشد شرکت‌ها به‌ویژه از منظر فعالیت‌های اصلی و مستمر در ارزیابی مسائل نمایندگی اهمیت دارد. اندازه مشاهده‌ها به‌طور میانگین ۲۷/۷۹ واحد لگاریتم طبیعی درآمد فروش است؛ اندازه شرکت‌ها از نقش با اهمیتی در بررسی مسائل نمایندگی و هزینه‌های سیاسی بر خوردار است.

جدول ۴. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مشاهده‌ها
AGC _{it}	۰/۰۸۳۷	۰/۰۶۵۵	۰/۱۲۰۱	۰/۱۷۹۶۷	۴۲۲/۲۳	۱۶۳۲
AGE _{it}	۲/۸۸۲۴	۲/۸۹۰۴	۰/۴۴۰۰	۰/۲۳۷۲	۲/۸۱۴۸	۱۶۳۲
CPE _{it}	۰/۰۳۶۸	۰/۰۲۴۵	۰/۰۴۱۵	۲/۹۴۵۷	۱۷/۵۴۵	۱۶۳۲
DAC _{it}	۰/۰۷۹۱	۰/۰۷۲۷	۰/۰۴۰۸	۱/۳۹۴۴	۶/۸۲۰۹	۱۶۳۲
FLG _{it}	۰/۶۰۴۵	۰/۶۰۷۲	۰/۲۰۳۰	۰/۴۶۸۱	۵/۳۳۶۵	۱۶۳۲
INS _{it}	۰/۷۱۵۸	۰/۷۴۹۴	۰/۱۵۵۹	-۱/۳۷۶۴	۵/۴۲۶۷	۱۶۳۲
OCF _{it}	۰/۱۱۱۰	۰/۰۹۶۶	۰/۱۲۶۰	۰/۱۶۲۶۴	۶/۴۰۱۳	۱۶۳۲
ROA _{it}	۰/۱۲۴۴	۰/۱۰۱۸	۰/۱۳۱۱	۰/۵۶۳۷	۴/۱۰۸۳	۱۶۳۲
SGR _{it}	۰/۲۲۳۲	۰/۱۶۷۸	۰/۴۳۸۸	۳/۵۹۱۷	۳۰/۰۴۵	۱۶۳۲
SIZE _{it}	۲۷/۷۹۵	۲۷/۶۷۲	۱/۵۸۲۲	۰/۵۱۵۹	۳/۹۴۶۶	۱۶۳۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۵، معناداری آماره تی ضرایب همبستگی زوجی بین برخی متغیرها از وجود همبستگی حکایت دارد؛ از موارد قابل توجه، می‌توان به همبستگی معنادار و مثبت بین هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی و از طرفی همبستگی معنادار و منفی بین هزینه‌های نمایندگی با رتبه کنترل کیفی حسابرسان، چرخش حسابرسان و تخصص حسابرسان در صنعت اشاره کرد. با این حال، به طور کلی ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی قوی نیستند و مشکل همخطی بین متغیرها وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی معناداری آماره تی	AGC _{it}	PC _{it}	ARNK _{it}	AROT _{it}	ASPC _{it}	AGE _{it}	CPE _{it}	DAC _{it}	FLG _{it}	INS _{it}	OCF _{it}	ROA _{it}	SGR _{it}	SIZE _{it}
AGC _{it}	۱/۰۰۰۰													
PC _{it}	-	۱/۰۰۰۰												
ARNK _{it}			۱/۰۰۰۰											
AROT _{it}				۱/۰۰۰۰										
ASPC _{it}					۱/۰۰۰۰									
AGE _{it}						۱/۰۰۰۰								
CPE _{it}							۱/۰۰۰۰							
DAC _{it}								۱/۰۰۰۰						
FLG _{it}									۱/۰۰۰۰					
INS _{it}										۱/۰۰۰۰				
OCF _{it}											۱/۰۰۰۰			
ROA _{it}												۱/۰۰۰۰		
SGR _{it}													۱/۰۰۰۰	
SIZE _{it}														۱/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق معناداری آماره‌های آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو جهت بررسی پایایی متغیرها در جدول ۶، شواهد حاکی از ثبات میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس بین سال‌های مختلف است. از این رو، متغیرها در مقیاس سطح، پایا بوده و ریشه کاذب در آن‌ها وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره تی	معناداری	مشاهده‌ها
$AGC_{i,t}$	-۴۵/۵۱۷	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$AGE_{i,t}$	-۸/۰۶۲۲	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$CPE_{i,t}$	-۳۷/۲۵۶	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$DAC_{i,t}$	-۲۳/۸۳۴	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$FLG_{i,t}$	-۳۱/۴۴۹	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$INS_{i,t}$	-۲۷/۷۹۳	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$OCF_{i,t}$	-۵۹/۰۶۳	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$ROA_{i,t}$	-۴۱/۸۶۷	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$SGR_{i,t}$	-۶۶/۰۴۶	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲
$SIZE_{i,t}$	-۳۹/۸۰۵	۰/۰۰۰۰	۱۶۳۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایج آزمون مدل‌های رگرسیون پژوهش که در جداول ۷، ۸، ۹ و ۱۰ درج شده‌اند، آماره‌های اف لیمر در آزمون چاو بیانگر مناسب‌تر بودن استفاده از رویکرد داده‌های ترکیبی است. آماره‌های کای دو آزمون هاسمن بیانگر مناسب‌تر بودن استفاده از الگوی اثرات ثابت است. طبق آماره‌های نسبت درست‌نمایی، استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته در رفع ناهمسانی واریانس پسماندها مناسب است. آماره فیشر بیانگر وجود روابط خطی معنادار در مدل‌ها است. طبق آماره‌های دوربین-واتسون، مشکل خودهمبستگی پسماندها قابل شهود نیست. طبق عامل تورم واریانس متغیرها، مشکل همخطی بین متغیرها وجود ندارد. ضرایب تعیین تعدیل شده حاکی از توان بالای متغیرهای توضیحی در بیان هزینه‌های نمایندگی است.

طبق نتایج جدول ۷، روابط سیاسی تأثیر معنادار مثبتی بر هزینه‌های نمایندگی دارد. در نتیجه، ضمن تأیید فرضیه اول پژوهش، در مشاهده‌های برخوردار از هیأت مدیره یا مالکیت دارای روابط سیاسی با ارکان نظام اقتصادی دولتی، هزینه‌های نمایندگی افزایش یافته است. از طرفی، در مشاهده‌های فاقد روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی کمتر است.

جدول ۷. نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: AGC _{it}					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۰/۲۸۹۵	۰/۰۳۹۲	۷/۳۸۴۱	۰/۰۰۰۰	-
PC _{it}	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۰۸	۲/۶۷۰۴	۰/۰۰۷۷	۱/۱۵۴۴
AGE _{it}	۰/۰۰۴۵	۰/۰۰۱۷	۲/۵۹۷۰	۰/۰۰۹۵	۱/۰۵۹۶
CPE _{it}	۰/۰۳۲۳	۰/۰۱۲۱	۲/۶۵۸۲	۰/۰۰۷۹	۱/۰۹۲۳
DAC _{it}	۰/۰۵۴۷	۰/۰۱۱۱	۴/۹۲۵۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۲۵۴
FLG _{it}	۰/۰۱۰۶	۰/۰۰۷۸	۱/۳۵۰۱	۰/۱۷۷۲	۱/۳۵۹۳
INS _{it}	-۰/۰۱۰۷	۰/۰۰۳۷	-۲/۸۶۰۹	۰/۰۰۴۳	۱/۱۶۴۷
OCF _{it}	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۶۰	۰/۳۹۵۵	۰/۶۹۲۵	۱/۶۱۷۶
ROA _{it}	-۰/۰۷۲۵	۰/۰۱۴۶	-۵/۰۵۱۱	۰/۰۰۰۰	۱/۹۴۳۰
SGR _{it}	-۰/۰۱۵۳	۰/۰۰۲۵	-۶/۳۰۱۳	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۳۱
SIZE _{it}	-۰/۰۰۷۶	۰/۰۰۱۶	-۴/۷۵۶۹	۰/۰۰۰۰	۱/۲۳۵۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۹۲۵		آماره دوربین- واتسون		۲/۰۱۶۸
آماره فیشر (روابط خطی)	۱۸/۲۴۸		احتمال آماره فیشر		۰/۰۰۰۰
آماره اف لیمر چاو (ترکیب پذیری)	۱۵/۹۹۳		احتمال آماره اف لیمر		۰/۰۰۰۰
آماره کای دو هاسمن (اثر پذیری)	۳۱/۴۳۱		احتمال آماره کای دو		۰/۰۰۰۵
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانس‌ها)	۴/۳۲۵۴		احتمال آماره اف		۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایج جدول ۸، رتبه کنترل کیفی حسابرسان مستقل تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارد. در نتیجه ضمن تأیید فرضیه دوم، پژوهش، در مشاهده‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا مؤسسات حسابرسی طبقه اول معتمد سازمان بورس یا دارای رتبه کیفی الف جامعه حسابداران رسمی، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر است. به علاوه، رتبه کنترل کیفی حسابرسان مستقل نقش معنی‌داری در تضعیف ارتباط مثبت بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی دارد. در نتیجه ضمن تأیید فرضیه پنجم پژوهش، بهره‌گیری از حسابرس با رتبه کیفی بالا سبب شده مخارج روابط سیاسی که سبب افزایش تضادهای نمایندگی شده، کاهش یابد و حسابرسان توانایی مناسب جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی دارند.

جدول ۸. نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه دوم و پنجم پژوهش

متغیر وابسته: $AGC_{i,t}$					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۰/۲۷۲۵	۰/۰۳۹۶	۶/۸۸۷۸	۰/۰۰۰۰	-
$PC_{i,t}$	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۱۶	۲/۶۳۱۲	۰/۰۰۸۶	۳/۰۱۹۸
$ARNK_{i,t}$	-۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۱۳	-۵/۱۶۱۶	۰/۰۰۰۰	۲/۶۳۳۲
$PC_{i,t} * ARNK_{i,t}$	-۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۱۶	-۴/۶۲۷۲	۰/۰۰۰۰	۲/۲۸۷۱
$AGE_{i,t}$	۰/۰۰۵۶	۰/۰۰۲۲	۲/۵۲۲۸	۰/۰۱۱۸	۱/۰۶۲۱
$CPE_{i,t}$	۰/۰۲۸۵	۰/۰۱۲۹	۲/۲۰۷۶	۰/۰۲۷۴	۱/۰۹۸۴
$DAC_{i,t}$	۰/۰۵۱۲	۰/۰۲۲۷	۲/۲۵۶۵	۰/۰۲۴۲	۱/۰۲۹۸
$FLG_{i,t}$	۰/۰۱۱۶	۰/۰۰۶۴	۱/۸۱۶۱	۰/۰۶۹۶	۱/۳۶۵۶
$INS_{i,t}$	-۰/۰۱۰۷	۰/۰۰۵۶	-۱/۹۱۶۵	۰/۰۵۵۵	۱/۱۶۶۹
$OCF_{i,t}$	۰/۰۰۶۲	۰/۰۰۶۸	۰/۹۰۷۴	۰/۳۶۴۳	۱/۶۲۲۶
$ROA_{i,t}$	-۰/۰۷۷۲	۰/۰۱۵۹	-۴/۸۴۲۶	۰/۰۰۰۰	۱/۹۵۲۹
$SGR_{i,t}$	-۰/۰۱۶۳	۰/۰۰۳۲	-۵/۰۱۲۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۹۸
$SIZE_{i,t}$	-۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۱۷	-۴/۰۴۸۷	۰/۰۰۰۱	۱/۲۷۱۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۷۸۸	آماره دوربین- واتسون	۲/۰۱۳۸		
آماره فیشر (روابط خطی)	۱۷/۰۲۹	احتمال آماره فیشر	۰/۰۰۰۰		
آماره اف لیمر چاو (ترکیب پذیری)	۱۵/۹۷۳	احتمال آماره اف لیمر	۰/۰۰۰۰		
آماره کای دو هاسمن (اثرپذیری)	۳۴/۳۳۷	احتمال آماره کای دو	۰/۰۰۰۶		
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانس‌ها)	۱۳/۴۵۴	احتمال آماره اف	۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایج جدول ۹، چرخش حسابرسان مستقل تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارند. در نتیجه ضمن تأیید فرضیه سوم پژوهش، در مشاهده‌هایی که چرخش حسابرس مستقل را تجربه نموده‌اند، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر است. از طرفی، مشاهده‌های حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی دوره‌های قبلی بدون چرخش دارای هزینه‌های نمایندگی بالاتری هستند. به علاوه، چرخش حسابرس مستقل نقش معنی داری در تضعیف ارتباط مثبت بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی دارد. در نتیجه، ضمن تأیید فرضیه ششم پژوهش، پیروی از روند تغییر حسابرس مستقل در دوره‌های مختلف سبب شده مخارج ناشی از وجود روابط سیاسی در شرکت‌ها که منجر

به افزایش تضادهای نمایندگی شده است، کاهش یابد و این رخداد به واسطه نقش استقلال حسابرسان در فرآیند چرخش به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی از اهمیت برخوردار هستند.

جدول ۹. نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه سوم و ششم پژوهش

متغیر وابسته: $AGC_{i,t}$					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۰/۲۸۵۲	۰/۰۳۷۳	۷/۶۴۸۰	۰/۰۰۰۰	-
$PC_{i,t}$	۰/۰۰۴۹	۰/۰۰۱۱	۴/۴۷۴۶	۰/۰۰۰۰	۱/۶۱۱۲
$AROT_{i,t}$	-۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۰۵	-۳/۶۲۵۹	۰/۰۰۰۳	۲/۶۹۵۲
$PC_{i,t} * AROT_{i,t}$	-۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۱۸	-۳/۶۷۴۲	۰/۰۰۰۲	۲/۹۹۱۵
$AGE_{i,t}$	۰/۰۰۴۸	۰/۰۰۱۶	۳/۰۵۷۰	۰/۰۰۲۳	۱/۰۶۸۵
$CPE_{i,t}$	۰/۰۳۲۶	۰/۰۱۲۶	۲/۵۷۸۵	۰/۰۱۰۰	۱/۰۹۲۳
$DAC_{i,t}$	۰/۰۵۶۲	۰/۰۱۳۰	۴/۳۲۵۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۲۶۵
$FLG_{i,t}$	۰/۰۱۰۸	۰/۰۰۷۶	۱/۴۱۲۹	۰/۱۵۷۹	۱/۳۶۰۱
$INS_{i,t}$	-۰/۰۱۱۱	۰/۰۰۴۱	-۲/۶۷۶۶	۰/۰۰۷۵	۱/۱۶۵۲
$OCF_{i,t}$	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۵۹	۰/۳۵۴۳	۰/۷۲۳۲	۱/۶۲۱۳
$ROA_{i,t}$	-۰/۰۷۱۰	۰/۰۱۵۰	-۴/۷۳۳۶	۰/۰۰۰۰	۱/۹۴۴۱
$SGR_{i,t}$	-۰/۰۱۵۷	۰/۰۰۲۴	-۶/۵۲۳۲	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۳۴
$SIZE_{i,t}$	-۰/۰۰۷۵	۰/۰۰۱۵	-۴/۹۱۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۲۴۶۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۹۷۲		آماره دوربین-واتسون		۲/۰۴۳۸
آماره فیشر (روابط خطی)	۱۸/۴۷۱		احتمال آماره فیشر		۰/۰۰۰۰
آماره اف لیمر چاو (ترکیب پذیری)	۱۴/۵۰۲		احتمال آماره اف لیمر		۰/۰۰۰۰
آماره کای دو هاسمن (اثرپذیری)	۶۵/۳۳۸		احتمال آماره کای دو		۰/۰۰۰۰
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانس‌ها)	۱۰/۱۹۸		احتمال آماره اف		۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایج جدول ۱۰، تخصص حسابرسان مستقل در صنعت تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارند. در نتیجه ضمن تأیید فرضیه چهارم پژوهش، در مشاهده‌های حسابرسی شده توسط حسابرس متخصص صنعت هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر است. از طرفی، مشاهده‌های حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی فاقد تخصص در صنعت دارای هزینه‌های نمایندگی بالاتری هستند. به علاوه، تخصص حسابرس در صنعت نقش معنی‌دار در تضعیف

ارتباط مثبت بین روابط سیاسی و هزینه‌های نمایندگی دارد. در نتیجه، ضمن تأیید فرضیه هفتم پژوهش، بهره‌گیری از حسابرس دارای تخصص در صنعت سبب شده مخارج وجود روابط سیاسی در شرکت‌ها که سبب افزایش تضادهای نمایندگی شده است، کاهش یابد و این حسابرسان از توان لازم جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی را دارند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون نهایی مدل رگرسیون فرضیه چهارم و هفتم پژوهش

متغیر وابسته: $AGC_{i,t}$					
متغیرهای توضیحی	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری	عامل تورم واریانس
C	۰/۲۸۵۰	۰/۰۳۷۶	۷/۵۷۵۶	۰/۰۰۰۰	-
$PC_{i,t}$	۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۷	۳/۴۲۳۱	۰/۰۰۰۶	۱/۷۳۵۹
$ASPC_{i,t}$	-۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۱۸	-۴/۸۶۱۳	۰/۰۰۰۰	۳/۵۶۱۹
$PC_{i,t} * ASPC_{i,t}$	-۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۰۴	-۳/۵۱۱۹	۰/۰۰۰۵	۴/۵۴۹۹
$AGE_{i,t}$	۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۱۷	۲/۵۰۷۸	۰/۰۱۲۳	۱/۰۶۳۵
$CPE_{i,t}$	۰/۰۰۲۴۱	۰/۰۱۲۵	۱/۹۳۲۳	۰/۰۵۳۵	۱/۰۹۳۱
$DAC_{i,t}$	۰/۰۵۱۷	۰/۰۰۹۴	۵/۴۹۷۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۴۲۲
$FLG_{i,t}$	۰/۰۰۸۹	۰/۰۰۷۸	۱/۱۳۹۹	۰/۲۵۴۵	۱/۳۵۹۹
$INS_{i,t}$	-۰/۰۱۰۵	۰/۰۰۳۸	-۲/۷۳۹۴	۰/۰۰۶۲	۱/۱۶۸۲
$OCF_{i,t}$	۰/۰۰۳۷	۰/۰۰۶۱	۰/۶۱۶۰	۰/۵۳۸۰	۱/۶۲۰۶
$ROA_{i,t}$	-۰/۰۰۷۱۳	۰/۰۱۴۵	-۴/۹۱۰۱	۰/۰۰۰۰	۱/۹۵۹۲
$SGR_{i,t}$	-۰/۰۱۵۹	۰/۰۰۲۴	-۶/۶۳۱۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۴۶
$SIZE_{i,t}$	-۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۱۶	-۴/۶۵۳۳	۰/۰۰۰۰	۱/۳۹۴۱
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۹۶۶		آماره دوربین-واتسون		۲/۰۴۳۷
آماره فیشر (روابط خطی)	۱۸/۴۲۰		احتمال آماره فیشر		۰/۰۰۰۰
آماره اف لیمر چاو (ترکیب‌پذیری)	۱۴/۶۶۸		احتمال آماره اف لیمر		۰/۰۰۰۰
آماره کای دو هاسمن (اثربرداری)	۶۲/۴۸۵		احتمال آماره کای دو		۰/۰۰۰۰
آماره اف وایت (ناهمسانی واریانس‌ها)	۹/۹۹۰۸		احتمال آماره اف		۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق نتایجی که در جداول ۷، ۸، ۹ و ۱۰ درج شده‌اند عمر، سرمایه‌گذاری جدید و اقلام تعهدی اختیاری اثر معنادار مثبت بر هزینه‌های نمایندگی دارند؛ مالکیت نهادی، بازده دارایی‌ها، رشد فروش و اندازه شرکت تأثیر معنادار منفی بر هزینه‌های نمایندگی دارند؛ اما اهرم مالی و جریان نقد عملیاتی تأثیر معناداری بر هزینه‌های نمایندگی ندارند.

طبق شواهد، هرچه زمان بیشتری از پذیرش شرکت‌ها گذشته باشد، مدیران وجوه بیشتری را صرف انجام مخارج سرمایه‌ای جدید نمایند و وقتی تمایل مدیران به استفاده از ارقام تعهدی اختیاری جهت مدیریت سود بیشتر باشد، شرکت‌ها مشمول تضادهای نمایندگی بالاتری بوده و هزینه‌های نمایندگی بیشتری دارند؛ همچنین وقتی درصد بیشتر سهام شرکت در تملک نهادها باشد، سودآوری ناشی از بکارگیری دارایی‌ها در فرآیندهای عملیاتی بالاتر باشد، درآمدهای عملیاتی فروش شرکت‌ها از رشد صعودی برخوردار باشد و اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر باشد، تضادهای نمایندگی پایین‌تری در شرکت‌ها وجود داشته و در این شرایط، شرکت‌ها هزینه‌های نمایندگی کمتری دارند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

واگذاری اختیار شرکت‌ها از سوی مالکان به مدیران سبب شده است طبق رویکرد منطبق با مفاهیم کارایی، مدیران در راستای همگرایی منافع اقدام نمایند؛ از طرفی، طبق رویکرد فرصت‌طلبانه، رفتار مدیران ممکن است به گونه‌ای باشد که در راستای واگرایی منافع اقدام نمایند. با توجه به وجود تضاد منافع مدیران با مالکان و امکان وقوع مشکلات نمایندگی، از طرفی شناسایی عوامل محرک مشکلات نمایندگی و از طرف دیگر تلاش جهت کاهش شدت هزینه‌های نمایندگی تحمیل شده بر شرکت‌ها اهمیت داشته و لازم است عوامل مؤثر در این زمینه شناسایی شوند. در مقاله حاضر، تأثیر روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی و نقش مکانیزم‌های نظارتی حسابرسان مستقل از بعد معیارهای مبتنی بر ورودی ساختار کیفی حسابرسی بر کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها به ویژه در شرایط وجود روابط سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این مباحث در قالب چهار مدل رگرسیون مشتمل بر هفت فرضیه مورد آزمون قرار گرفته‌اند و در ادامه به تشریح نتایج پرداخته شده است.

بحث فرضیه اول پژوهش این است که در شرکت‌های صاحبکار برخوردار از روابط سیاسی، سطح بالاتری از هزینه‌های نمایندگی وجود دارد. طبق نتایج حاصل از برازش مدل فرضیه اول پژوهش، روابط سیاسی عامل تشدید هزینه‌های نمایندگی است؛ به عبارتی وجود روابط شرکت‌ها با کانون قدرت سیاسی سبب افزایش واگرایی منافع در شرکت‌ها شده و احتمال وجود پیامدهای منفی ناشی از این رویداد ممکن است به حقوق سهامداران آسیب برساند. هر چند در برخی مطالعات شواهدی از منافع روابط سیاسی بدست آمده است و به واسطه نظارت‌های ناشی از کانون قدرت سیاسی، رفتار مدیران شرکت‌ها متمایل به ایجاد همگرایی منافع است، اما مطالعاتی نیز شواهدی از وجود مخارج با اهمیت روابط سیاسی ارائه داده‌اند که پیامدهای مخربی به بار آورده‌اند. در برخی پژوهش‌ها استدلال شده است که روابط سیاسی ممکن است ابزاری باشد که سیاستمداران از طریق آن شرکت‌ها را به اجاره خود در آورند و این شرکت‌ها با دارا بودن روابط سیاسی، توجهی به ارزش و ثروت سهامداران نداشته و مدیران به دنبال منافع شخصی هستند تا منافع عمومی. ضعف دیگر شرکت‌های با روابط سیاسی، عدم شفافیت اطلاعاتی است که به واسطه انگیزه‌ها و تمایلات خاص مدیران ایجاد می‌شود (فاسیو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۶؛ براگیون و مور^{۱۴}، ۲۰۱۱؛ برتراند و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۸). در بازارهای با محیط قانونی ضعیف، تلاش مدیران جهت دستیابی به منافع

شخصی و به هزینه سهامداران اقلیت سبب تمایل آنها به بهره‌گیری از روابط سیاسی شده است (فاسیو^{۱۱}، ۲۰۰۶). در بازارهای با حمایت ضعیف از سهامداران، مدیران با روابط سیاسی از قدرت لازم جهت تزییع حقوق سهامداران اقلیت برخوردارند و از این رو برخورداری از روابط سیاسی سبب افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶). همچنین، رفتار تونل زنی سهامداران عمده کنترلی در شرکتهای دارای روابط سیاسی سبب ایجاد هزینه‌های نمایندگی می‌شود (هو و همکاران^{۴۳}، ۲۰۲۰). با توجه به یافته‌های پژوهش، نتایج بدست آمده با مطالعات آریفور و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، هو و همکاران^{۴۳} (۲۰۲۰)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷)، شاه‌صاحبی و دارابی (۱۳۹۷)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸)، حسنی و صالحی (۱۳۹۹) سازگار است؛ اما با نتایج مطالعه جنت‌مکان و همکاران (۱۳۹۸) مغایرت دارد. این قیاس‌ها از ابعاد منافع و مخارج روابط سیاسی و نقش آن بر رخداد، تشدید و یا تضعیف هزینه‌های نمایندگی قابل ملاحظه است.

بحث فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش این است که در شرکتهای صاحبکار حسابرسی شده توسط حسابرسان با امتیاز کیفی بالا، حسابرسان جدید در رخداد چرخش و حسابرسان دارای تخصص در صنعت، سطح هزینه‌های نمایندگی با کاهش همراه است. طبق نتایج حاصل از برازش مدل‌های فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش، معیارهای ورودی ساختار کیفی حسابرسی شامل اعتبار کیفی، چرخش و تخصص صنعت حسابرسان مستقل از عوامل تضعیف هزینه‌های نمایندگی هستند؛ به عبارتی بهره‌گیری از حسابرسان با رتبه کیفی مناسب و متخصص در صنعت به همراه پیروی از قانون چرخش طی دوره‌های زمانی معین منجر به کاهش واگرایی منافع در شرکتهای شده و این موضوع به واسطه پیامدهای نظارتی بکارگیری این حسابرسان سبب حمایت از حقوق سهامداران و ذی‌نفعان شده است. کیفیت حسابرسی می‌تواند نقش نظارت خارجی را در محیط‌های بدون نظارت نهادی قوی ایفا کند و نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی ایفا نماید. این نتایج منطبق با دیدگاه حاکی از نقش مؤثر حسابرسی با کیفیت در کاهش هزینه‌های نمایندگی است (کورتن و همکاران^{۴۶}، ۲۰۱۷؛ اوسو و ویر^۵، ۲۰۱۸؛ گیست و عبدالوهاب^{۴۲}، ۲۰۲۰؛ فوسونگ و همکاران^{۳۹}، ۲۰۲۲). نتایج برخی مطالعات بر ضرورت انتخاب حسابرس مشهور با رتبه کیفی بالا به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی متمرکز شده‌اند (فان و وانگ^۲، ۲۰۰۵؛ هوپ و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۲؛ آریفور و همکاران^۱، ۲۰۱۶؛ اوسو و ویر^۵، ۲۰۱۸؛ آکوی و رامادان^{۳۲}، ۲۰۱۹). برخی مطالعات بیانگر ارتباط مسائل نمایندگی و تمایل شرکتهای به برقراری روابط پایدار با حسابرس و پیروی از چرخش کمتر حسابرس است (بلوین و همکاران^{۳۲}، ۲۰۰۷). با این حال، تمرکز بر دوره‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت تصدی حسابرس و اختیاری یا اجباری بودن چرخش حسابرس پیامدهای مختلفی در بر دارد. همچنین، شواهدی لزوم حسابرسی شرکتهای توسط حسابرس متخصص صنعت با برخورداری از دانش و تجربه خاص جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی را بیان کرده‌اند (چیانگ^{۳۸}، ۲۰۱۳؛ بروکس^{۳۵}، ۲۰۱۶؛ آکوی و رامادان^{۳۲}، ۲۰۱۹). با توجه به یافته‌های پژوهش، نتایج بدست آمده با مطالعات چیانگ^{۳۸} (۲۰۱۳)، بروکس^{۳۵} (۲۰۱۶)، آریفور و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، آکوی و رامادان^{۳۲} (۲۰۱۹)، حیدری و همکاران (۱۳۹۵)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷)، شاه‌صاحبی و

دارابی (۱۳۹۷)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸)، حسنی و صالحی (۱۳۹۹) سازگار است؛ اما با نتایج مطالعات بلوین و همکاران^{۳۳} (۲۰۰۷)، کرمشاهی (۱۳۹۶)، علوی‌طبری و پارسایی (۱۳۹۸) مغایرت دارد. بحث فرضیه‌های پنجم، ششم و هفتم پژوهش این است که امتیاز کیفی حسابرسان، چرخش حسابرسان و تخصص صنعت حسابرسان به عنوان معیارهای ورودی کیفیت حسابرسی، سبب تعدیل ارتباط روابط سیاسی و هزینه نمایندگی می‌شود و بر هزینه نمایندگی در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی مؤثر هستند. طبق نتایج حاصل از برازش مدل‌های فرضیه‌های پنجم، ششم و هفتم پژوهش، معیارهای ورودی ساختار کیفیت حسابرسی شامل اعتبار کیفی حسابرس، چرخش حسابرس و تخصص صنعت حسابرس امکان تضعیف پیامدهای مرتبط با واگرایی منافع ناشی از وجود روابط سیاسی و وقوع هزینه‌های نمایندگی را فراهم آورده‌اند. در واقع، حسابرسان معتبر جهت حفظ شهرت حرفه‌ای، حسابرسان جدید جهت حفظ استقلال حسابرسی و حسابرسان متخصص صنعت جهت حفظ کارایی و اثربخشی حسابرسی از عناصر کاهنده تضادهای نمایندگی به ویژه در شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی هستند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، از آنجا که روابط سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز تشدید هزینه‌های نمایندگی گردد، در چنین شرایطی بهره‌گیری از حسابرسان مستقل با کیفیت می‌تواند سبب کاهش آثار مثبت روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی شود. به طور کلی، طبق برخی مطالعات نقش حسابرسی از منظر اعتبار و شهرت، تخصص صنعت و چرخش حسابرس در ارتباط با روابط سیاسی از بعد هزینه‌های نمایندگی مورد بحث قرار گرفته است (سرینیدی و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۲؛ گدحامی و همکاران^{۳۵}، ۲۰۱۴؛ آریفور و همکاران^{۳۶}، ۲۰۱۶؛ بروکس^{۳۷}، ۲۰۱۶؛ لیو و همکاران^{۳۸}، ۲۰۱۷؛ حبیب و همکاران^{۳۹}، ۲۰۱۷؛ اوتامانینگسی^{۴۰}، ۲۰۱۹؛ گیست و عبدالوهاب^{۴۱}، ۲۰۲۰). در برخی از این مطالعات، نقش مؤثر حسابرسی با کیفیت در کاهش آثار مثبت روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های پژوهش، نتایج بدست آمده با مطالعات آریفور و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، بروکس^{۳۵} (۲۰۱۶)، شاه‌صاحبی و دارابی (۱۳۹۷)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸)، حسنی و صالحی (۱۳۹۹) سازگار است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیر فزاینده روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی و تأثیر کاهنده ساختار کیفی حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی ضمن تضعیف تأثیر مخرب روابط سیاسی بر وقوع هزینه‌های نمایندگی، به مدیران و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود با انجام اقدامات لازم جهت همگرایی منافع، زمینه‌ساز کاهش هزینه‌های نمایندگی شوند. توجه به نقش روابط سیاسی و مدنظر قرار دادن منافع و مخارج ناشی از این چالش اساسی در نظام اقتصاد دولتی موضوعی است که به گروه‌های مختلف سهامداران، سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، اعتباردهندگان، سازمان بورس، سازمان حسابرسی و سایر ارکان ذی‌نفع پیشنهاد می‌شود آن را در کانون توجه و تحلیل خود نسبت به ارزیابی هزینه‌های نمایندگی مرتبط با واگرایی منافع در شرکت‌ها قرار دهند؛ زیرا شواهد حاکی از هزینه‌زا بودن روابط سیاسی از بعد نظریه نمایندگی سیاسی است. همچنین، به سیاست‌گذاران دولتی به عنوان کانون قدرت سیاسی پیشنهاد می‌شود نظارت بیشتری بر شرکت‌های دارای روابط سیاسی اعمال

نمایند تا از یک سو، وجود این روابط منتج به سوء استفاده نشده و از طرفی امکان کاهش مشکلات نمایندگی از طریق نظارت فراهم آید. به علاوه، از بعد عوامل کاهنده شدت هزینه‌های نمایندگی شواهد نشان دادند اعتبار، چرخش و تخصص حسابرس به عنوان معیارهای مبتنی بر ورودی ساختار کیفیت حسابرسی نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی دارند. از این رو، به حسابرسان پیشنهاد می‌شود در اجرای حسابرسی جهت رعایت حقوق ذی‌دفعان در راستای تحقق اهداف راهبری شرکتی، به اهمیت مراقبت حرفه‌ای، استقلال و صلاحیت حرفه‌ای توجه کنند. ضمن این که تمرکز حسابرسان بر بهبود رتبه کنترل کیفی، افزایش تخصص‌گرایی در بازار خدمات حسابرسی همراه با بهبود دانش و تجربه خاص در آن حوزه، می‌تواند سبب کاهش آثار نامناسب روابط سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی شود و از شدت تضاد منافع بکاهد. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش را با توجه به معیارهای دیگر ساختار کیفیت حسابرسی شامل معیارهای ورودی و خروجی مانند استقلال، قضاوت حرفه‌ای، تردیدهای حرفه‌ای، حق‌الزحمه، ریسک‌های حسابرسی و تعدیلات حسابرسی بررسی نمایند. ضمن این که مقایسه اثربخشی معیارهای ورودی با معیارهای خروجی جهت سنجش اثر آن‌ها در کاهش شدت هزینه‌های نمایندگی می‌تواند مفید باشد. پیشنهاد می‌شود اثر فساد سیاسی و ناطمینانی سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی و نقش مکانیزم‌های حسابرسی در این حوزه بررسی شود. پیشنهاد می‌شود ارتباط سایر تحولات اقتصادی مانند سیکل‌های تجاری اقتصادی، ثبات مالی اقتصادی، استرس مالی و نابسامانی مالی شرکت‌ها در ارزیابی هزینه‌های نمایندگی تحلیل شوند. ارزیابی انگیزه‌ها و مشوق‌های مدیریتی مانند رویه‌های غیرعادی مدیریت سود، معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته، تصمیمات ناکارای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در ارتباط با وقوع هزینه‌های نمایندگی به پژوهشگران در مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود. ضمن این که پیشنهاد می‌شود اثربخشی سایر مکانیزم‌های نظارتی راهبری شرکتی مانند کمیته‌های حسابرسی و حسابرسان داخلی در ارتباط با هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی بررسی شوند.

یادداشت‌ها

1 rifur et al	16 raggion & Lyndon	31 davidson et al	46 orten et al
2 lcKnight & Weir	17 ertrand et al	32 .kway & Ramadan	47 le et al
3 nechel et al	18 am	33 louin et al	48 .won et al
4 eFond & Zhang	19 /atts & Zimmerman	34 rinidhi et al	49 /ul
5 wusu & Weir	20 an & Wong	35 rooks	50 hleifer & Vishny
6 uedhami et al	21 Wallace	36 .end	51 arney et al
7 iu et al	22 eAngelo	37 iramling & Stone	52 ennox
8 abib et al	23 lope et al	38 'hiang	53 hu
9 nsen & Meckling	24 im et al	39 ossung et al	54 arton
10 ing et al	25 opuch & Simunic	40 .halil et al	55 /eber et al
11 accio	26 kinner & Srinivasan	41 essema	56 ahan et al
12 haney et al	27 eFond et al	42 ist & Abdul Wahab	57 ong et al
13 accio et al	28 rishnamurthy et al	43 lo et al	58 nen et al
14 an et al	29 fayhew et al	44 tamaningsi	59 .min et al
15 oubakri et al	30 atar & Alles	45 lkesh	60 heng et al

فهرست منابع

- ۱) ابراهیمی، سیدکاظم؛ بهرامی‌نسب، علی و کریمی، اسحاق. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، کیفیت حسابرسی، بحران مالی و هزینه‌های نمایندگی. دانش حسابرسی، ۱۸ (۷۳): ۱۰۲-۷۹.
- ۲) ابراهیمی، سیدکاظم؛ بهرامی‌نسب، علی و کریمی، اسحاق. (۱۳۹۸). اثر تعاملی اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین ارتباطات سیاسی، درماندگی مالی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱ (۲): ۳۴-۱.
- ۳) بادآورنهدی، یونس؛ نظاری ابر، فیروز و دهقان، رقیه. (۱۳۹۸). ارتباط هزینه‌های نمایندگی و سلب منافع سهامداران اقلیت با تأکید بر نقش کیفیت گزارشگری مالی. حسابداری و منافع اجتماعی، ۹ (۲): ۲۴-۱.
- ۴) باغومیان، رافیک؛ خانی، ذبیح‌الله؛ رجب‌دُری، حسین و شرفی، نسیم. (۱۴۰۰). رابطه ناخوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی با نقش تعدیلگر کیفیت حسابرسی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۳ (۵۲): ۶۲-۴۷.
- ۵) بنی‌مهد، بهمن؛ حساس‌یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس. (۱۳۹۲). روابط سیاسی و تغییر حسابرس: شواهدی از مؤسسات حسابرسی بخش خصوصی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۲ (۸): ۱۲-۱.
- ۶) بوستانی، فرخ و دارابی، رویا. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵ (۵۷): ۱۴۸-۱۲۱.
- ۷) جمالی، امیرحسین و کرمی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۶ (۶۴): ۹۸-۸۱.
- ۸) جنت‌مکان، حسین؛ حمیدیان، محسن و حاجیها، زهره. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با مدیریت مبتنی بر ارزش آفرینی و هزینه نمایندگی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ (۳۱): ۲۳۰-۲۱۵.
- ۹) حسنی، محمد و صالحی، آزاده. (۱۳۹۹). ارزیابی آثار روابط سیاسی مالکیت-مدیریت و نظارت حسابرسان مبتنی بر انگیزه شهرت در کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲ (۳): ۲۲-۱.
- ۱۰) حیدری، مهدی؛ قادری، بهمن و رسولی، پیمان. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی: الگوسازی معادلات ساختاری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳ (۳): ۳۵۳-۳۷۲.
- ۱۱) خدای‌پور، احمد؛ دلدار، مصطفی و محمدرضاخانی، وحید. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت حسابرسی. دانش حسابرسی، ۱۳ (۵۰): ۱۳۶-۱۱۹.

- ۱۲) دلبری راغب، محسن و اسماعیل‌زاده، علی. (۱۴۰۲). مدل کیفیت حسابرسی مستقل با تأکید بر رفع نیازهای ذینفعان. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۵ (۵۷): ۶۹-۹۸.
- ۱۳) دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا و پرویزی راحت، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی اثر میانجی کیفیت حسابرسی در رابطه بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی. دانش حسابداری مالی، ۲ (۶): ۱۱۵-۱۳۲.
- ۱۴) شاه‌صاحبی، سیدمصطفی و دارابی، رویا. (۱۳۹۷). اثر تعدیلی اندازه مؤسسه حسابرسی بر رابطه هزینه‌های نمایندگی و روابط سیاسی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۷ (۲۸): ۹۱-۱۰۴.
- ۱۵) علوی‌طبری، سیدحسین و پارسایی، منا. (۱۳۹۸). رابطه کیفیت حسابرسی با شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱ (۴۱): ۴۳-۶۸.
- ۱۶) قیطاسی، روح‌اله؛ سبزی‌پور، فرشاد و حاجی‌زاده، فتح‌اله. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر هزینه‌های نمایندگی. دانش حسابرسی، ۱۶ (۶۳): ۱۲۹-۱۴۸.
- ۱۷) کرمشاهی، بهنام. (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه نمایندگی، مدیریت سود و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶ (۲۱): ۸۶-۱۰۱.
- ۱۸) کریم‌آبادی، محمد؛ جهانگیرنیا، حسین؛ حاجیه‌ها، زهره و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۱). ارزیابی معیارهای آیین رفتار حرفه‌ای در کیفیت حرفه حسابرسی مستقل. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴ (۵۵): ۱۰۱-۷۹.

- 19) Akway, I.D., & Ramadan, M.M., (2019), The Role of Audit Quality in Reducing Agency Costs and Cost of Equity Capital: An Empirical Study on Companies listed in the Egyptian Stock Exchange, *Journal of Accounting Research*, 3 (2), 1-45.
- 20) Amin, K., Kim, C., Yang, Z., & Ye, F., (2021), Politically Connected Boards and Audit Pricing: U.S. Evidence, *Accounting Horizons*, 35 (3): 1-22.
- 21) Arifur, K., Dessalegn, G., Mihret, M., & Badrul, M., (2016), Corporate political connections, agency costs and audit quality, *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4): 1-29.
- 22) Barton, J., (2005), Who cares about auditor reputation?, *Contemporary Accounting Research*, 22: 549-586.
- 23) Bertrand, M., Kramarz, F., Schoar, A., & Thesmar, D., (2018), The cost of political connections, *Review of Finance*, 22 (3), 849-876.
- 24) Blouin, J.L., Grein, B.M., & Rountree, B., (2007), An Analysis of Forced Auditor Rotation: The Case of Former Arthur Clients, *The Accounting Review*, 82 (3): 621-650.
- 25) Boubakri, N., Cosset, J.C., & Saffar, W., (2008), Political connections of newly privatized firms, *Journal of Corporate Finance*, 14 (5): 654-673.
- 26) Braggion, F., & Lyndon, M., (2011), The Economic Benefits of Political Connections in Late Victorian Britain, Working Paper, Tilburg University, Center Discussion, Paper No. 2011-039.
- 27) Brooks, L., (2016), Political Connection and the Demand for Industry Specialist Auditors, *Accounting and Finance Research*, 5 (1): 210-231.

- 28) Cahan, S.F., Emanuel, D., & Sun, J., (2009), Are the reputations of the large accounting firms really international? Evidence from the Andersen-Enron affair, *Auditing: A Journal of Theory and Practice*, 28: 199-226.
- 29) Carney, R.W., Child, T.B., & Li, X., (2020), Board connections & crisis performance: Family, state, and political networks, *Journal of Corporate Finance*, 64, 101630, 1-24.
- 30) Chaney, P.K., Faccio, M., & Parsley, D., (2011), The quality of accounting information in politically-connected firms, *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1-2): 58-76.
- 31) Cheng, C-L., Hsu, C-S., & Kung, F-H., (2015), Political connections, managerial incentives and auditor choice: evidence from China, *Pacific Accounting Review*, 27 (4), 441-465.
- 32) Chiang, H., (2013), Agency conflicts and choice of specialist audit firms and audit partners: Signaling or substantial monitoring?, *Corporate Ownership & Control*, 10 (3), 114-128.
- 33) Corten, M., Steijvers, T., & Lybaer, N., (2017), The effect of intrafamily agency conflicts on audit demand in private family firms: The moderating role of the board of directors, *Journal of Family Business Strategy*, 8 (1), 13-28.
- 34) Datar, S., & Alles, M., (1999), The formation and role of reputation and litigation in the auditor-manager relationship, *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 14 (4): 401-428.
- 35) Davidson, R. A., & Neu, D., (۱۹۹۳), A Note on Association Between Audit Firm Size and Audit Quality, *Contemporary Accounting Research*, 9(۲), ۴۷۹- ۴۸۸.
- 36) DeAngelo, L. E., (1981), Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3): 183-199.
- 37) Dechow, P., Sloan, R. & Sweeney, A., (1995), Detecting Earnings Management, *Accounting Review*, 70(2): 193-225.
- 38) DeFond, M.L., Raghunandan, K., & Subramanyam, K.R., (2002), Do non-audit service fees impair auditor independence? Evidence from going concern audit opinions, *Journal of Accounting Research*, 40 (4): 1247-1274.
- 39) DeFond, M., & Zhang, J., (2014), A review of archival auditing research, *Journal of Accounting and Economics*, 58 (2-3), 275-326.
- 40) Ding, S., Jia, C., Wilson, C., & Wu, Z., (2015), Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45 (2): 407-434.
- 41) Dopuch, N., & Simunic, D., (۱۹۸۲), Competition in auditing: An assessment, *Fourth Symposium on Auditing Research*, University of Illinois.
- 42) Faccio, M., (2006), Politically-connected firms, *American Economic Review*, 96 (1):369-386.
- 43) Faccio, M., (2010), Differences between politically-connected and non-connected firms: A cross country analysis, *Financial Management*, 39 (3): 905-928.
- 44) Faccio, M., Masulis, R.W., & McConnell, J.J., (2006), Political Connections and Corporate Bailouts, *Journal of Finance*, 61, 2597-2635.
- 45) Fan, J.P.H., Wong, T.J., & Zhang, T., (2007), Politically-connected CEOs, corporate governance and post-IPO performance of China's newly partially-privatized firms, *Journal of Financial Economics*, 84 (2): 330-357.
- 46) Fan, J. P.H., & Wong, T.J., (2005), Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets?: Evidence from East Asia, *Journal of Accounting Research*, 43(1): 35-72.
- 47) Fossung, M.F., Mukah, S.T., Berthelo, K.W., & Nsai, M.E., (2022), The Demand for External Audit Quality: The Contribution of Agency Theory in the Context of Cameroon, *Accounting and Finance Research*, 11(1):13-23.

- 48) Elkelish, W.W., (2018), Corporate governance risk and the agency problem, *Corporate Governance, The International Journal of Business in Society*, 18 (2): 254-269.
- 49) Gist, W.E., & Abdul Wahab, E.A., (2020), Political Patronage, Audit Quality and the Properties of Analysts' Earnings Forecasts in Malaysia, *Journal of International Accounting Research*, 19-77
- 50) Gramling, A.A., & Stone, D.N., (2001), Audit Firm Industry Expertise: A Review and Synthesis of The Archival Literature, *Journal of Accounting Literature*, 20, 1-29.
- 51) Guedhami, O., Pittman, J.A., & Saffar, W., (2014), Auditor Choice in Politically Connected Firms, *Journal of Accounting Research*, 52 (1): 107-162.
- 52) Gul, F. A., (۲۰۰۶), Auditors' Response to Political Connections and Cronyism in Malaysia, *Journal of Accounting Research*, ۴۴ (۵): ۹۳۱-۹۶۳.
- 53) Habib, A., Muhammadi, A.H., & Jiang, H., (2017), Political Connections and Related Party Transactions: Evidence of Indonesia, *The International Journal of Accounting*, 52 (1): 45-63.
- 54) He, K., Pan, X., & Tian, G.G., (2017), Political Connections, Audit Opinions, and Auditor Choice: Evidence from the Ouster of Government Officers, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 36 (3), 91-114.
- 55) Hope, O., & Langli, J.C., & Thomas, W.B., (2012), Agency conflicts and auditing in private firms, *Accounting, Organizations and Society*, 37 (7): 500-517.
- 56) Hu, Y., Wang, C., Xiao, G., & Zeng, J., (2020), The agency cost of political connections: Evidence from China's File 18, *Pacific-Basin Finance Journal*, 64, 101426.
- 57) Imen, K., Hichem, K., & Ines, A., (2022), Political connections, political corruption and auditing: a literature review, *Journal of Financial Crime*, 29 (1), 159-170
- 58) Bottom of Form
- 59) Jensen, M.C., & Meckling, W.H., (1976), Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure, *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
- 60) Kend, M., (2008), Client industry audit expertise: towards a better understanding, *Pacific Accounting Review*, 20 (1), 49-62.
- 61) Khalil, M., Harianto, S., & Guney, Y., (2022), Do Political Connections Reduce Earnings Management?, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Accepted and in Press.
- 62) Kim, J., Chung, R., & Firth, M., (2003), Auditor Conservatism, Asymmetric Monitoring and Earnings Management, *Contemporary Accounting Research*, 20 (2): 323- 359.
- 63) Knechel, R., Krishnan, G., Pevzner, M., & Shefchik, L., (2013), Audit Quality: Insights from the Academic Literature, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (1), 385-421.
- 64) Krishnamurthy, S., Zhou, J., & Zhou N., (2006), Auditor reputation, auditor independence, and the stock-market impact of Andersen's indictment on its client firms, *Contemporary Accounting Research*, 23 (2): 465-490.
- 65) Kwon, S.Y., Lee, N.R., & Ki, E., (2014), Effects of agency costs on the relationship of corporate governance with audit quality and accounting conservatism in the Korean audit market, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 21 (2), 157-185.
- 66) Lam, K.C. (1998), Risk Adjusted Audit Pricing: Theory and Empirical Evidence, Ph.D Dissertation, University of Toronto.
- 67) Lennox, C.S., (1999), Audit quality and auditor size: An evaluation of reputation and deep pockets hypotheses, *Journal of Business Finance & Accounting*, 26 (7-8): 779-805.
- 68) Liu, Y., Li, X., Zeng, H., & An, Y., (2017), Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in China, *Accounting and Finance*, 57 (4): 1071-1099.

- 69) Mayhew, B.W., Schatzberg, J.W., & Sevcik, G.R., (2001), The effect of accounting uncertainty and auditor reputation on auditor objectivity, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20 (2): 49-70.
- 70) McKnight, P.J., & Weir, C., (2009), Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 49 (2): 139-158.
- 71) Owusu, A., & Weir, C., (2018), Agency costs, ownership structure and corporate governance mechanisms in Ghana, *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 14 (1): 63-84.
- 72) Shleifer, A., & Vishny, R.W., (1994), Politicians and firms, *The Quarterly Journal of Economics*, 109 (4): 995-1025.
- 73) Shu, S.Z., (2000), Auditor resignations: Clientele effects and legal liability, *Journal of Accounting and Economics*, 29 (2): 173-205.
- 74) Skinner, D.J., & Srinivasan, S., (2012), Audit quality and auditor reputation: Evidence from Japan, *The Accounting Review*, 87 (5): 1737-1765.
- 75) Song, Y., Wei, X., Zhou, Y., & Jacobsen, B., (2022), Politically Connected Enterprises: Business Strategy or Agency Problem?, Available at <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4021378>
- 76) Srinidhi, B., Zhang, H., & Zhang, T., (2012), Auditor Choice and Earnings Quality in Politically Connected Firms: Evidence from Private Sector Firms in China, Working Paper, Department of Accountancy, University of Hong Kong.
- 77) Tessema, A., (2020), Audit quality, political connections and information asymmetry: evidence from banks in gulf co-operation council countries, *International Journal of Managerial Finance*, 16 (5), 673-698.
- 78) Utamaningsi, L., (2019), Political Connection, Auditor Selection, Audit Fee & Audit Report Lag: A Review in Indonesia, *International Journal of Progressive Science and Technologies*, 13 (2): 167-173.
- 79) Wallace, W.A., (2004), The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets: A Look Back and a Look Forward, *Research in Accounting Regulation*, 17: 267-298.
- 80) Watts, R.L., & Zimmerman, J.L., (1983), Agency problems, auditing and the theory of the firm: some evidence, *Journal of Law and Economics*, 26 (3): 613-633.
- 81) Weber, J., Willenborg, M., & Zhang, J., (2008), Does auditor reputation matter?, The case of KPMG Germany and ComROAD AG, *Journal of Accounting Research*, 46 (4): 941-972.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

<https://doi.org/10.30495/jdaa.2023.1971200.1056>

Auditors' Response to Agency Conflicts in Political Connected Firms

Mohammad Hassani¹

Received: 09 / December / 2023 Accepted: 31 / January / 2024

Abstract

Because of interest conflicts between managers-owners and the possibility occurrence of agency problems, it is important to identify the potentially driving factors of agency costs and assess the role of monitoring mechanisms in order to reduce the intensity of agency costs. This paper assessed the potentially impact of external auditing on agency conflicts in political connected firms. The ratio of operational expenses to operational sales revenues is used as an index of agency costs. Also, politically governance affiliation in either board structure or ownership structure is considered as a proxy of political connection. In addition, effective role of external auditors is analyzed using auditors' quality control rating, rotation and industry specialization criterion. Research data include 1632 firm-year observations which consist of 204 firms listed in Tehran Securities & Exchange. Research hypotheses investigated through multivariate regression models using panel data with fixed effect and generalized least squares method. Research evidences documented that political connected firms have high level of agency costs significantly. On other side, auditor's quality control rating, rotation and industry specialization criterion significantly lead to reduce agency costs. In addition, findings showed that auditor's quality control rating, auditor's rotation and auditor's industry specialization caused to weaken the positive relation between political connection and agency costs, so lead to decrease destructive consequences of interest divergence; In fact, reputable auditors to maintain professional reputation, new auditors to maintain audit independence, and industry-specific auditors to maintain audit efficiency and effectiveness are elements of mitigating agency conflicts, especially in firms with political connection. So, it is important to understand this issue from the aspect of political connection costs and its role in intensifying agency costs, as well as from the aspect of improving audit process and its role in weakening agency costs, especially in political connected firms.

Keywords: Auditor Quality Ranking, Auditor Rotation, Auditor Industry Specialization, Agency Conflict, Political Connections.

¹ Department of Accounting and Auditing, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author: m_hassani@iau-tmb.ac.ir)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی